

تلشی درس‌پرور فایل



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

 Www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

بسم الله الرحمن الرحيم

درس نامه‌ی دین و زندگی - پایه‌ی یازدهم

درس (۱)؛ بیام دو آیه‌ی : و جعلنا من الماء كل شء حي [؛ و از آب هر چیزی را زنده قرار دادیم.] و لتعیی به بلدة فیتا [؛ تا به سبب آب، شهری مرده را زنده کنیم و حیات بخشیم]. این است که آب مایه‌ی حیات و اساس زندگی در جهان و بر طرف کننده‌ی نیازهای جسمی بشر است.

سوال: از آنجا که انسان تنها در جسمش خلاصه نمی‌شود بلکه موجودی ساخته شده از روح و جسم است، این سوال به وجود می‌آید که مایه‌ی حیات و بر طرف کننده‌ی نیازهای روحی انسان چیست؟

پاسخ: آیدی یا أیهَا الَّذِينَ آتَيْنَا إِسْجِبَيْوَ اللَّهَ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لَمَا يَحِبُّوكُمْ [؛ ای کسانی که ایمان آور دید اجابت کنید دعوت خدا و پیامبر را زمانی که شما را دعوت می‌کنند تا شما را حیات ببخشند]. گوبای آن است که خدا و پیامبر ش انسان‌ها را به چیزی دعوت می‌کنند که سبب حیات و زندگی روحی وی می‌شود.

درس اول: هدایت الهی.....

درس (۲)؛ انسان دارای یک سری نیازهای طبیعی و غریزی است مانند نیاز به هوا، آب، غذا و پوشش. خدا راه بر طرف کردن این نیازها و همچنین وسایل بر طرف کردن آنها را به انسان آموخته است. به عنوان مثال هر کس می‌داند که برای رفع تشنگی باید آب بنوشد و برای رفع خستگی استراحت کند ولی علاوه بر نیازهای غریزی، دارای نیازهای دیگری نیز هست (نیازهایی برتر از نیازهای مادی). دادن پاسخ صحیح به این نیازها سعادت انسان را تضمین می‌کند. پرخی از این نیازها عبارت اند از:

(۱) شناخت هدف زندگی. یعنی انسان می‌خواهد بداند برای چه زندگی می‌کند و زندگی اش را باید صرف چه چیزی کند؟

(۲) شناخت آینده‌ی خویش. یعنی انسان می‌خواهد بداند آیا همه چیز با مرگ تمام می‌شود یا در جهان دیگری به زندگی ادامه می‌دهد و اگر زندگی پس از مرگ وجود دارد، خوشبختی او در آن جهان به چه اموری وابسته است؟

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

(۳) کشف راه درست زندگی، چون انسان تنها یک بار به دنیا می‌آید باید در این فرصت تکرار نشدنی راهی را انتخاب کند که به درستی آن اطمینان داشته باشد.

نکته: این دعای امام سجاد (ع) «خدایا ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای» ناظر به نیاز اول انسان است.

نکته: شعر «روزها فکر من این است و همه شب سختم ...» مربوط به نیاز دوم انسان است.

نکته: به گفتدی قرآن تنها کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند از خسaran و زیان دیدن در امان هستند. آیات سوره‌ی والعصر «والعصر # إن الإنسان لفي خسر ...» ناظر به نیاز سوم انسان است.

درس (۳): پاسخ به نیازهای بالا باید دو ویژگی داشته باشد:

۱) درست و قابل اعتماد باشد.

۲) همه جانبه باشد و به تمام نیازهای مختلف انسان به صورت هماهنگ پاسخ دهد (نه تنها به برخی نیازها).

نکته: انسان به تنهایی نمی‌تواند پاسخ کاملی به این سوال‌ها بدهد. او همچنین نمی‌تواند راه رسیدن به سعادت خود را بیابد.

درس (۴): با توجه به این دو ویژگی تنها کسی می‌تواند پاسخ صحیحی به این سوال‌ها بدهد که:

۱) از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد روحی، جسمی، فردی و اجتماعی او کاملاً آگاه باشد.

۲) بداند که انسان‌ها، یس از مرگ چه سرنوشتی دارند و چه عاقیتی در انتظار آنهاست.

درس (۵): انسان ویژگی‌هایی دارد که او را از موجودات دیگر متفاوت کرده. این ویژگی‌ها عبارت است از: ۱) (تفکر ۲) انتخاب و قدرت اختیار. به همین دلیل شیوه‌ی هدایت انسان با موجودات دیگر متفاوت است. شیوه‌ی هدایت انسان به این گونه است که خداوند برنامه‌ی هدایت او را (که در برگیرنده‌ی پاسخ سوالات اوست) از طریق پیامبران می‌فرستد تا انسان‌ها ابتدا با عقل و تفکر در این برنامه و بی بودن به امتیازات آن، از روی اختیار این برنامه را انتخاب کنند سپس در زندگی به کار بینندند و به هدفی که خداوند در خلقت برای آنها قرار داده برسند.

نکته: با کثار هم قرار گرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سوالات اساسی دست یافت.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

نکته: از نظر قرآن انسان ناسپاس (= کفر) کسی است که راه‌های دیگری غیر از راه گفته شده را انتخاب می‌کند و با دست خالی دنیا را ترک و به آخرت می‌رود.

نکته: انسان‌های امروزی نیز مانند انسان‌های قرن‌های همچنان به دین و پیام آسمانی نیازمندند و آن نیازهایی که انسان گذشته را به سوی خدا و دین می‌کشاند همچنان یا بر جاست.

درس (۶): در قرون ۱۸، ۱۷ و ۱۹ که علوم تجربی در غرب پیشرفت کرد تصور می‌شد که با کمک این علوم می‌توان به نیازهای پسر یاسخ داد اما هر قدر که علم پیشرفت کرد نیازهای بنيادین وی همچنان بی‌یاسخ باقی ماند به گونه‌ای که انسان امروز دریافت‌که علم با همه‌ی فایده‌هایش نمی‌تواند به نیازهای اصلی او یاسخ مناسب دهد و همین امر باعث شده تا انسان بار دیگر به خدا و دین رو آورد. به عنوان نمونه امروزه ترجمه‌ی قرآن به زبان انگلیسی از پرطرفدارترین کتاب‌هاست و شمار کسانی که در اروپا به اسلام می‌گردونند، بیشتر از گروندگان به ادبیان دیگر است.

درس دوم: تداوم هدایت

نکته: دین به معنای راه و روش است و راه و روشی که خدا برای زندگی انسان‌ها برگزیده دین‌الهی یا اسلام نام دارد.

درس (۷): بر اساس آیات قرآن خداوند تنها یک دین برای انسان‌ها فرستاده و به همه‌ی بیامیران فرمان داده تا همان دین را میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه در پیش نگیرند.

درس (۸): فطرت انسان یعنی آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است. به عبارت دیگر از ابتدای آفرینش انسان اقوام مختلفی روی زمین زندگی کرده‌اند. این افراد با اینکه در خصوصیاتی مانند تزاد، زبان، آداب و رسوم با یکدیگر متفاوت بوده‌اند ولی همه ویژگی‌های مشترکی داشته‌اند مانند اینکه همه از قدرت تفکر و اختیار برخوردار بوده‌اند، به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند، فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت و راستگویی را دوست دارند و از رذایل اخلاقی مانند ظلم، حسادت و دروغگویی بیزار بوده‌اند. این ویژگی‌های مشترک همان فطرت است. به سبب همین ویژگی‌های مشترک انسان‌ها (یعنی فطرت) خداوند نیز یک برنامه‌ی کلی به انسان‌ها داده است. این برنامه اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۹): در این برنامه از انسان خواسته می شود که تا با اندیشه در خود و جهان به ایمان دست باید. ایمان به وجود خدای یگانه (و نفی شرک یا چند خدایی)، ایمان به پیامبران (همان فرستادگان الهی و راهنمایان پسر)، ایمان به وجود جهان دیگری پس از مرگ و حسابرسی عادلانه و یاداش و جزا داده شدن و ایمان به عادلانه بودن نظام هستی.

درس (۱۰): در این برنامه همچنین از انسان خواسته می شود تا بر اساس ایمانی که کسب کرده (۱) با انجام واجبات دین و ترك حرام های آن خداوند را عبادت و بندگی کنند. (۲) تلاش کند فضائل اخلاقی را کسب و رذائل اخلاقی را از خود دور کند. (۳) جامعه ای دینی و براساس عدالت ایجاد کند.

درس (۱۱): محتوای اصلی دعوت همدی پیامبران یکسان است و همهی آنها یک دین آورده اند و اختلاف های موجود به تنها در برخی احکام فرعی و به دلیل اختلاف در سطح آگاهی های مردم و نیاز های مردم در دوره های زمانی مختلف بوده است. مثلًا همدی پیامبران امت های خود را به نماز دعوت کرده اند ولی در شکل و تعداد آن تفاوت هایی وجود داشته است.

درس (۱۲): علت فرستادن پیامبران متعدد عبارت است از:

(۱) استمرار و پیوستگی دعوت زیرا لازمهی ماندگاری یک پیام، تبلیغ مستمر و بی در بی آن است.

(۲) رشد تدریجی سطح فکر مردم. حدیث إنما معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم ناظر به این علت است.

(۳) تحریف تعلیمات پیامبر پیشین، به عنوان نمونه پس از حضرت موسی (ع) تورات تحریف شد و بنابراین حضرت عیسی (ع) نازل شد تا تحریفات آن را بر طرف و پیام تحریف نشده خدا را به انسان ها برساند.

چند نکته درباره تورات و انجیل و تحریفات آن دو:

نکته: کتاب مقدس مشکل از دو قسمت است: (۱) عهد عتیق (تورات و چند بخش دیگر) و (۲) عهد جدید (انجیل)، به همین دلیل به عهدهای معروف است. عهد عتیق فقط کتاب مقدس یهودیان است ولی مسیحیان تورات و انجیل را با هم به عنوان کتاب مقدس قبول دارند.

نکته: وجود تعلیمات متناقض با عقل و علم نشان می دهد بخش های زیادی از عهدهای مورد تحریف واقع شده است.

نکته: یهودیان توراتی را که از حضرت موسی باقی مانده بود در تابوت مقدس نگهداری می کردند. در سال ۶۸۵ قبل از میلاد مسیح، بخت النصر طی حمله ای تابوت و تورات را نابود کرد. یهودیان در سال ۵۷۴ قبل از میلاد، تورات را مجددًا جمع آوری

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

کردند. یعنی ۱۱۱ سال خبری از تورات نبود و وقوع تحریف را مسکن کرد و مطالب فراوانی از مشرکان و بیت پرستان وارد آن شد.

نکته: در تورات خداوند ناقص، ترسو و حسود معرفی شده و علت اینکه خداوند، آدم و حوا را از درخت منوعه نهی فرمود و آنان را از بهشت اخراج کرد، این است که خدا ترسید آدم درخت با خوردن از میوه‌ی درخت منوعه به نیک و بد آگاه شود و زندگی جاودانه بیابد و مانند خدا شود. چنین چیزی با علم، حکمت، قدرت و بی‌نیازی خدا ناسازگار است. در تورات به پیامبران نسبت‌های نادوایی داده شده. برخی از آنها عبارت اند از: ۱) حضرت یعقوب با خدا گشته گرفت و نزدیک بود پشت خدا را به خاک بزند. ۲) حضرت داود برای اینکه بتواند با همسر یکی از سردارانش ازدواج کند، او را در صفت اول به چنگ می‌فرستد تا گشته شود. ۳) حضرت سلیمان به خاطر تمایل همسرانش به بی‌پرستی، دستور ساخت بتخانه‌های فراوانی را صادر می‌کند.

نکته: در انجیل نیز مطالب تحریف شده‌ای وجود دارد. برای مثال هر انسانی که متولد می‌شود را گناهکار می‌داند زیرا حضرت آدم از درخت منوعه خورد و گناه کرد و گناه او به همه‌ی فرزندانش سراحت کرد و اینکه حضرت عیسی (ع) فدا شد تا گناهان همه‌ی پیروانش تا قیامت بخشیده شود.

نکته: در تورات و انجیل سعی شده هر جا به صورت مستقیم بشارتی به آمدن پیامبر (ص) داده شده حذف یا تحریف شود.

سؤال: اگر خداوند برای هدایت همه‌ی انسان‌ها پیامبران را فرستاده یس چرا تمام پیامبران در منطقه‌ی خاورمیانه آمدند؟

پاسخ: چنین نیست و به گفته‌ی قرآن هیچ امتی در گذشته نبوده مگر اینکه برای آن راهنمای و پیامبری فرستاده شده است و هیچ قومی بر روی زمین از نعمت داشتن پیامبر محروم نبوده است. آیات زیر این ادعا را که پیامبران فقط در محدوده‌ی خاورمیانه بوده‌اند را رد می‌کنند. ۱) و إن من أمة إلأ خلا فيها نذير [؛ هر امتی در گذشته انذارکننده‌ای داشته است]. ۲) و لقد بعثنا في كل أمة رسولًا أن عبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت [؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را پرسنید و از طاغوت اجتناب کنید]. ۳) إنما أنت مُنذِرٌ و لَكُلُّ قَوْمٍ هَادٍ [؛ جز این نیست که تو بیم دهنده‌ای و هر قومی را هدایتگری است]. همچنین در سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۷۸ و نزد در سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۶۴ تصریح شده که نام پیامبران در قرآن نیامده است.

نکته: در قرآن تنها حدود نام ۳۰ تن از پیامبران آمده است.

نکته: تنها خدا می‌داند که زمان ختم نبوت فرارسیده است یا نه.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۱۳): برخی از عوامل بی نیازی از آمدن پیامبر جدید عبارت است از

۱) آمادگی جامعه‌ی پسری برای دریافت برنامه‌ی کامل زندگی.

توضیح: تا قبل از زمان پیامبر (ص) سطح درک انسان‌ها یابین بود و توانایی گرفتن برنامه‌ی کامل زندگی را نداشتند ولی در زمان ترول قرآن، آمادگی فرهنگی جوامع در حدی بود که می‌توانستند کامل‌ترین برنامه‌ی زندگی را دریافت و حفظ کنند. به همین دلیل با ورود اسلام به سرزمین‌های ایران و مصر نهضت علمی و فرهنگی بزرگی آغاز شد و دانشمندان فراوانی ظهور کردند.

۲) حفظ قرآن از تحریف.

توضیح: بر اساس اهتمام پیامبر (ص) به جمع‌آوری و حفظ قرآن و تلاش و کوشش مسلمانان، این کتاب دچار تحریف نشد به گونه‌ای که قرآن‌های قرون اول که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند تفاوتی با نسخه‌های قرآن‌های امروزی ندارد.

۳) وجود امام معصوم پس از پیامبر (ص).

توضیح: تعین امام معصوم از طرف خدا باعث شد که جامعه کمیابی از نظر رهبری و هدایت نداشته باشد و فرستادن

پیامبران بعدی لزومی نداشته باشد (زیرا امام همه‌ی مسؤولیت‌های پیامبر را دارد جز دریافت وحی)

۴) پویایی و روزآمد بودن دین اسلام.

توضیح: دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همی سوال‌ها و نیازهای انسان، در هر زمان و مکان پاسخ گوید. اسلام و پیغمبری دارد که می‌تواند پاسخگوی نیازهای پسر در دوره‌های مختلف باشد. مانند وجود دو دسته قوانین ثابت و متغیر.

نکته: آمدن پیامبر جدید و آوردن کتاب جدید نشانگر آن است که برخی از تعلیمات پیامبر قبل نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مردم باشد.

نکته: وجود دو یا چند دین در یک زمان نشانه‌ی آن است که پیروان پیامبر قبل به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند و این کار یعنی سریچی از فرمان خدا و عدم پیروی از پیامبران گذشته.

نکته: امروز جز قرآن کتاب آسانی دیگری وجود ندارد که بتوان گفت محتوای آن به طور کامل از جانب خداست و انسان‌ها آن را کم و زیاد نکرده باشند.

تلاشی در مسیر موفقیت

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

نکته: آیدی و من بیفع غیر الإسلام دینا فلم يقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرين [؛ و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند از او یذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان کاران خواهد بود] گویای آن است که تنها دینی که می تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است.

درس سوم: معجزه‌ی جاویدان

درس (۱۴): قرآن آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران [= حضرت محمد صلی الله علیه و آله] نازل شده و دلیل پیامبر بودن (= نبوت) ایشان است.

درس (۱۵): هر پیامبری که از سوی خدا مبعوث می شود برای اینکه مردم بفهمند او با خدا ارتباط دارد و از طرف او مأمور هدایت انسان‌های دیگر است کارهای خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهد که هیچکس بدون تأیید و اذن خدا قادر به انجام آنها نیست.

درس (۱۶): قرآن کریم کارهای خارق‌العاده‌ی مزبور را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت و اندیشمندان اسلامی کارهای خارق‌العاده‌ی مزبور را «معجزه» می‌نامند زیرا عجز و ناتوانی افراد دیگر در این امور آشکار می‌شود. به عبارت دیگر از آنجا که انسان‌های دیگر از انجام آن کارها عاجز و ناتوان اند، کارهای مزبور را معجزه (به معنای عاجزکننده‌ی دیگران) نامیده‌اند.

درس (۱۷): معجزه‌ی هر پیامبر متناسب با اوضاع روزگار خود بوده مثلاً چون در زمان حضرت موسی (ع) سحر و جادو رواج داشت و مردم ساحران را انسان‌های فوق‌العاده‌ای می‌دانستند لازم بود تا آن حضرت کاری انجام دهد تا شبیه کارهای آنها ولی فراتر از کارهای آنها باشد تا مردم بدانند قدرت او یک قدرت الهی است. حضرت عیسی (ع) نیز زمانی مبعوث شد که بزشکی پیشرفت زیادی کرده بود بنابراین آن حضرت کارهایی انجام داد مانند بینا کردن کوران و زنده کردن مردگان تا عجز بزشکان و ارتباط او با خداوند آشکار شود.

نکته: معجزات پیامبران گذشته تنها برای مردم آن زمان قابل مشاهده بود و امروزه اثری از آنها باقی نمانده.

درس (۱۸): معجزه‌ی آخرین پیامبر الهی که می‌خواهد برای همه‌ی زمان‌ها پیامبر باشد باید دو ویژگی داشته باشد:

۱. مردم زمان خودش به معجزه بودن آن اعتراف کنند.

۲. آیندگان هم معجزه بودن آن را تأیید کنند.

به همین دلیل خداوند معجزه‌ی اصلی پیامبر اسلام (ص) را قرآن یعنی کتابی قرار داده که هیچکس توان آوردن مانند آنرا ندارد.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۱۹): خداوند به کسانی که در معجزه بودن قرآن شک دارند پیشنهاد کرده تا کتابی همانند آن، یا دست کم ده سوره یا حتی یک سوره مانند آن بیاورند. آیه‌ی لعن اجتمعن‌الإنس و الجن علی أَن يأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهیراً [؛ یک‌گو اگر تمامی انسان‌ها و جنیان جمع شوند تا همانند قرآن را بیاورند نخواهند توانست هرچند پیش‌بین هم باشند] دلیل معجزه بودن قرآن است.

درس (۲۰): از زمانی که قرآن مخالفان خود را به مبارزه طلبیده ۱۴ قرن می‌گزرد اما توانسته‌اند سوره‌ای حتی به اندازه‌ی سوره‌ی کوثر (که تنها ۳ آیه دارد) بیاورند در حالی که آسان‌ترین راه برای غیرالله‌ی نشان دادن قرآن آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های قرآن است.

نکته: پیامبر اسلام در کنار معجزه‌ی اصلی خود (=قرآن) معجزات دیگری مانند: حرکت کردن و دو تیمه شدن درخت به دستور ایشان، شق القمر، شق القمر و ستون حنانه داشته است.

درس (۲۱): قرآن کریم از دو جنبه معجزه است: جنبه‌ی لفظی و جنبه‌ی محتوائی.

درس (۲۲): مراد از معجزه بودن قرآن از جنبه‌ی لفظی آن است که خداوند برای بیان معارف عمیق قرآن، زیباترین کلمات و عبارت‌ها را انتخاب کرده تا به بهترین وجه معنای مورد نظر را برساند و هر کس با زبان عربی آشنا باشد با خواندن قرآن درمی‌یابد که با سایر سخن‌ها کاملاً متفاوت است. به همین دلیل در آغاز اسلام، مشرکان مردم را از شنیدن قرآن منع می‌گردند زیرا همین زیبایی لفظی سبب نفوذ خارق‌العاده‌ی این کتاب در افکار و قلوب مردم می‌شد و بسیاری از مردم به ویژه ادبیان و دانشمندان تحت تأثیر آن مسلمان شده‌اند.

درس (۲۳): مراد از اعجاز محتوائی آن است که قرآن از نظر محتوا و مطالب ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ اندیشمندی تراویش نکرده تا چه رسد به فردی که از هیچ‌گونه آموزشی برخوردار نبوده است. این جنبه از قرآن برای کسانی که زبان عربی نمی‌دانند و تنها از ترجمه‌ها استفاده می‌کنند نیز قابل فهم و ادراک است. برخی از جنبه‌های اعجاز محتوائی عبارت‌اند از:

۱) انجام درونی در عین نزول تدریجی

توضیح: آثار و نوشته‌های اولیه‌ی دانشمندان یا آثار دوران پختنگی آنها متفاوت است از این رو دانشمندان معمولاً در نوشته‌های گذشته‌ی خود تجدید نظر می‌کنند ولی با اینکه بیش از ۶۰۰۰ آیه‌ی قرآن در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست بلکه آیات آن با یکدیگر هماهنگی دارند و یکدیگر را تأیید می‌کنند.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

آیه‌ی افلاک‌تبدیرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً [؛ آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند و اگر از سوی کسی غیر از خدا بود در آن اختلاف‌های فراوانی می‌یافتد]. به این مسئله اشاره دارد.

۱) تأثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت

توضیح: مردم در هر زمان تحت تأثیر فرهنگ همان زمان هستند. با این وجود قرآن نه تنها از فرهنگ مردم حجاج (که آمیزه‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک آلود بود) تأثیر نپذیرفت بلکه با آداب جاهلی و رسوم خرافی مبارزه کرد و از موضوع‌های چون عدالت‌خواهی، علم‌دوستی، معنویت و حقوق برای انسان‌ها سخن گفت.

۲) جامعیت و همه جانبه بودن

توضیح: با وجود اینکه قرآن حدود یانزده قرن پیش نازل شده، در مورد همه‌ی مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت به سوی کمال بدن نیاز دارد سخن گفته و چیزی را غروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی یا آخرت و رابطه‌ی انسان با خدا سخن نمی‌گوید بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مستولیت‌های اجتماعی و رابطه‌ی وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و بر تامدای جامع و همه جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

۳) ذکر نکات علمی بی‌سابقه

توضیح: در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت قرآن به برخی نکات علمی که بعدها توسط دانشمندان کشف شد اشاره می‌کند مانند: نیروی جاذبه میان ستارگان (خداآوند آسمان را با ستون‌های تادیدنی برای داشته است)، انبساط جهان (والسماء بنینها باید و إنا لموسعون: و آسمان را با قدرت خود برآوراشتیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم)، نور نداشتن ماه از خودش برخلاف خورشید (جعل فيها سراجاً و قمراً منيراً). در زبان عربی، متبر به شیء نورانی گفته می‌شود که از خودش نوری ندارد اما نور از منبع دیگری بر روی آن می‌تابد در حالیکه سراج به شیء نورانی می‌گویند که نورش از درون خودش است.

نکته: قرآن کتاب هدایت است نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته‌ی علمی می‌پردازد برای نشان دادن عظمت خلقت و واداشتن انسان‌ها به تفکر در جهان است. از این روست که این نکات را کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.

نکته: برخی دانشمندان غیرمسلمانی که در برابر قرآن خضوع و از آن به بزرگی یاد کرده‌اند: آلبرت اینشتین، هائزی کرین، گوستاو لویون.

تلاشی در مسیر موفقیت

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

نکته: نتیجه‌ی آیدی و ما کنست تبلو من قبله من کتاب ... [؛ و بیش از آن هیچ نوشته‌ای را نمی‌خواندی و یا دست خود آن را نمی‌نوشتی که در آن صورت کجروان به شک می‌افتدند] این است که اگر این کتاب توسط فردی درس‌خوانده یا دانشمند نوشته می‌شد ممکن بود گمان شود خدا آن را نازل نکرده بلکه پیامبر آن را از دیگران آموخته است.

نکته: در قرآن بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۱۸۵ بار از گوشش دادن، ۴۹ بار از عقل، ۱۸ بار از فکر کردن، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل و بارها از کلماتی مانند قلم و کتاب سخن به میان آمده.

نکته: در جامعه‌ی آن روز عربستان کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد به گونه‌ای که اگر خانواده‌ای دختر به دنیا می‌آورد احساس شرم می‌کرد ولی قرآن با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت، برای او حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشد، هزینه‌ی خانواده را از دوش او برداشت و بر عزت و عفافتش تأکید کرد تا مورد سوء استفاده‌ی مردان قرار نگیرد.

درس چهارم: مسئولیت‌های پیامبر

درس (۲۴): تعلیمات قرآن و سیره‌ی رسول‌خدا (ص) نشان می‌دهد که او سه مسئولیت مهم داشته است:

(۱) دریافت و ابلاغ وحی ← یعنی پیامبر آیات قرآن را به طور کامل و بدون نقص و افتادگی از فرشته‌ی وحی دریافت و بدون ذره‌ای کم و زیاد به مردم می‌رساند. پیامبر همچنین عده‌ای را مأمور نوشتن قرآن می‌کرد که آنها را کاتبان وحی می‌نامند و اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن امام علی (ع) بود.

(۲) تعلیم و تبیین تعلیم قرآن (مرجعیت دینی) ← پیامبر علاوه بر رساندن وحی به مردم، وظیفه‌ی تعلم و تبیین آیات قرآن به مردم را نیز بر عهده دارد (تعلیم = آموزش، تبیین = بیان کردن و توضیح دادن) تا مردم بتوانند جزئیات احکام قرآن را بفهمند و شیوه‌ی عمل به آنرا یاد بگیرند. به عنوان مثال قرآن تنها گفته نماز بخوانید اما این پیامبر است که طریقه‌ی رکوع و سجود را به ما می‌آموزد.

نکته: بزرگترین و اولین معلم قرآن پیامبر اسلام (ص) بوده است.

تلاشی در مسیر موفقیت

مبحث : جزویه دین و زندگی یازدهم

(۳) اجرای قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی (ولایت ظاهری) ← یکی دیگر از مسؤولیت‌های پیامبر، ولایت (= سربرستی و رهبری) بر جامعه است. پیامبر پس از اسلام آوردن مردم مدینه و هجرت به آنجا، به کمک مردم آن شهر (انصار) و کسانی که از مکه به آنجا رفته بودند (مهاجران) حکومتی که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد تشکیل داد.

نکته: در روایات گفته شده که اسلام پنج بایه (نساز، زکات، روزه، حج و ولایت) دارد و مهمترین آنها ولایت است.

سؤال: ضرورت تشکیل حکومت اسلامی (چرا چامعه‌ی اسلامی نیازمند حکومت اسلامی است؟):

۱. ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام

توضیح: یکی از اهداف پیامبران آن بود که مردم چامعه‌ای بر پایه‌ی عدل بنا کنند و زندگی اجتماعی خود را بر اساس قوانین عادلانه بنا نهند و این هدف بدون وجود یک نظام حکومتی سالم میسر نیست. همچنین قرآن احکام اجتماعی متعددی مانند خمس، زکات، امر به معروف، نهی از منکر و جهاد با تجاوزگران دارد که اجرای این قوانین بدون تشکیل حکومت امکان پذیر نیست.

نکته: آیه‌ای که به این مسأله اشاره کرده: لقد أرسلنا رسلنا بالبيانات و أنزلنا معهم الكتاب و الميزان لِقُوم النَّاسِ بالْقُسْطِ [؛ به راستی که پیامرانمان را همراه با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به اقامه‌ی عدل و داد برخیزند].

۲. ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت

توضیح: کسی که به مردم فرمان می‌دهد و قانونگذاری می‌کند در حالیکه قانونتش نشأت گرفته از فرمان الهی نیست طاغوت نامیده می‌شود. پذیرش حکومت طاغوت و انجام دستورهای او بر مسلمانان حرام است بنابراین لازم است در چامعه حکومتی وجود داشته باشد که طاغوتی نباشد یعنی مرد پذیرش خدا باشد و دستورات او را اجرا کند.

نکته: آیه‌ای که به این مسأله اشاره کرده: ألم تر إلى الذين يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك يربدون أن يتحاكموا إلى الطاغوت و قد أموروا أن يكفروا به و يعبدون الشيطان ألا يضلهم ضلالةً بعيداً [؛ آیا تندیده ای کسانی که گمان می‌برند به آنجه بر تو نازل شده و به آنجه بیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می‌خواهند داوری به نزد طاغوت برند، حال آنکه به آنان دستور داده شده که به آن کفر بورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی پکشاند].

نکته: امام خمینی بزرگترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخت و باین خود مردم را به آن جلب کرد.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۲۵): از دلایل امام خمینی برای تشکیل حکومت اسلامی ← به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی نظامی شرک آمیز است چون حاکمیت طاغوت است ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین بزیرم (ولایت فقیه، ص ۴۰).

درس (۲۶): ولایت پیامبر بر دو قسم است.

الف: ولایت ظاهری (سرپرستی جامعه) یعنی آن حضرت از طرف خدا مسؤول تشکیل حکومت و اجرای قوانین اسلام است.

ب: ولایت باطنی (سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌ها). پیامبر با انجام وظایف عبودیت و بندگی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غب را مشاهده و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف کند مثلاً می‌توانست به اذن الهی بسیار را شفا دهد. پیامبر با استفاده از همین قدرت تصرف اکه ولایت باطنی نام دارد) دل‌های آماده را هدایت می‌کند. این کار از طریق امداد غصی و الهامات انجام می‌شود. میزان پهرمندی انسان‌ها از این هدایت بستگی دارد به درجه‌ی ایمان و عمل آنها و هر قدر ایمان و عمل انسان‌ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت‌های معنوی پیشتری کسب می‌کنند.

مثال: امام علی (ع) از همان دوران کودکی تحت تربیت رسول خدا (ص) قرار گرفت و با استعداد بی‌نظیر خود مراتب کمال را در ایمان و عمل به سرعت ییمود و فرمود: رسول خدا (ص) هزار باب از علم را به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می‌شد. معلوم است که آموزش این علوم نه از طریق معمول بلکه به صورت الهام به روح و جان علی (ع) یوده است.

مثال: اویس قرنی جوانی از اهل یمن بود و هیچگاه موفق به دیدن رسول خدا (ص) نشد. او از فاصله‌ی دور توسط رسول خدا (ص) تربیت شد و به درجات بالایی از کمال رسید و پس از درگذشت پیامبر، از باران با اخلاص امام علی (ع) شد و در نهایت در جنگ صفين به شهادت رسید.

نکته: هدایت معنوی شکل‌های مختلفی دارد و با لیاقت و ظرفیت افراد متناسب است. مثلاً گاه عالی که در حل یک مسأله‌ی علمی بازمانده، پیامبر (ص) در خواب یا بیداری او را هدایت کرده است.

درس (۲۷): از وزیرگی‌های پیامبران عصمت است. عصمت به معنای محفوظ بودن از گناه است یعنی آنها کارهایی را که خدا واجب کرده انجام و کارهایی را که حرام کرده ترک می‌کردند. عصمت لازمه‌ی پیامبری است زیرا بدون عصمت اعتماد مردم به پیامبران از بین می‌رفت و از آنها پیروی نمی‌کردند.

درس (۲۸): بدون وجود عصمت مسؤولیت پیامبری به نتیجه نخواهد رسید زیرا:

تلاتشی در مسیر موفقیت

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

۱. اگر پیامبری در دریافت وحی و ابلاغ آن به مردم معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی‌رسد و امکان هدایت مردم سلب می‌شود.
۲. اگر پیامبری در تعلیم و تبیین دین و وحی الهی معصوم نباشد، امکان اتحراف در تعالیم الهی بیدا می‌شود و اعتماد مردم به دین از دست می‌رود.
۳. اگر پیامبری در اجرای احکام الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی که مخالف دستورهای خداست انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و مانند او عمل کنند و به گمراحتی دچار شوند.

درس (۲۹): تنها خدا می‌تواند مقاومت انسان‌ها در مقابل وسوسه‌ی گناه را تشخیص دهد بنابراین وقتی خدا کسی را به پیامبری بر می‌گزیند معلوم می‌شود که وی می‌تواند مسؤولیت خود را به درستی انجام دهد.

نکته: آیه‌ای که به این مسئله اشاره دارد: الله أعلم حيث يجعل رسالته [خدا بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد.]

سؤال: معصومیت از گناه و خطأ به چه صورت است؟ آیا یک مانع بیرونی مانند فرشته، پیامبران را از گناه و خطأ حفظ می‌کند یا آنان با اختیار خود به سمت گناه و خطأ نمی‌روند؟

پاسخ: پیامبران با اینکه مانند ما انسان‌ها غریزه و اختیار دارند، در مقام عمل به دستورات الهی دچار گناه نمی‌شوند زیرا کسی گناه می‌کند که هوی و هوس بر او غلبه کند و کسی که حقیقت گناه را مشاهده می‌کند و می‌داند که با انجام آن از چشم خدا می‌افتد و از لطف و رحمت او دور می‌شود، محبت به خداوند را با هیچ چیز عوض نمی‌کند.

سؤال: اگر پیامبر و امامان معصوماند، پس چرا اینقدر به درگاه خداوند استغفار می‌کردنند؟

پاسخ: استغفار پیامبران و امامان به درگاه خداوند به چند دلیل بود:

- (۱) استغفار و توبه مراتب و درجاتی متناسب با توبه کنندگان دارد. توبه‌ی گناهکاران برای رفع گناه است و توبه‌ی اولیای الهی برای دفع گناه، چنانکه گاهی لبایی آلوهه می‌شود و برای یاک کردن، آنرا می‌شویند (رفع) و گاهی لباس چنان شفاف و تمیز است که با دقت مراقب‌اند تا آلوهه نشود (دفع)، اولیای خدا با اشک و آه از خداوند می‌خواهند که آنان را در مبارزه با شیطان پیروز گردانند تا قلب آنان آلوهه به گناه نشود. آنان به خوبی می‌دانند که اگر یک لحظه لطف خداوند از آنان گرفته شود در دام نفس اماره و شیطان گرفتار می‌شوند.

- (۲) اولیای الهی وقتی به خود و اعمال خوبیش می‌نگرند با تمام عظمتی که آن اعمال دارند، آن را در برابر عظمت بی‌نهایت الهی بسیار کوچک می‌بینند. آنها به دلیل تواضع و فروتنی‌ای که در برابر خداوند دارند، اعمال خود را در برابر آن همه

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

لطف و محبت خداوند به بندگانش ناجیز می‌دانند و به همین دلیل از ناجیز بودن اعمال خود شرمنده‌اند و از خداوند عذر می‌خواهند.

(۳) مسؤولیت پیامبر و ائمه (ع) ایجاد می‌کرد تا آنان با افراد مختلفی سر و کار داشته باشند. از صالحان و نیکان گرفته تا انسان‌های آلوده به گناه و تبهکار. معاشرت زیاد آنها با مردم باعث می‌شد احساس کنند که [از توجه تمام و کمال به خدا و یاد او غافل شده و] غباری بر قلبشان نشسته و با استغفار به دنبال زدودن آن بودند چنانکه پیامبر فرمود: [نه لیغان علی قلبی و انى لاستغفر الله فى كل يوم سبعين مرأة]: گاهی بر دلم غباری می‌تشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می‌خواهم.]

درس (۳۰): از نتایج زیباتوار اختلاف در بین مسلمین، تجزیه‌ی کشورهای بزرگ اسلامی به کشورهای کوچک در سده‌ی اخیر بود تا قدرت‌های استعمارگر به راحتی بر آنها سلطه پیدا کنند و ذخایر آنها را به تاراج ببرند. با توجه به همین مسأله سالهای است که علماء و دانشمندان دلسویز مانند امام خمینی روشنگری‌های فراوان کردند تا پار دیگر مسلمانان را علیه دشمنان اسلام متعدد کنند و مانع درگیری میان آنها شوند.

درس (۳۱): برنامه‌ای برای وحدت مسلمانان: برای اینکه بتوانیم وحدت میان خود را تقویت و از قدرت حدود ۲ میلیارد مسلمان برای پیشرفت خود استفاده کنیم نیازمند اجرای برنامه‌های دقیقی هستیم که نقشه‌های استعمارگران را ختنی و دل‌های مسلمانان را به هم نزدیک کنیم. برخی از این برنامه‌ها:

۱. از اهانت به مقدسات سایر مسلمانان خودداری و اعتقادات خود را با دانش و استدلال، ارتقا بخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان با علم و استدلال سخن گفته و اعتقادات خود را به نحو صحیح و بدون نزع و ناسزاگوبی بیان کنیم.
۲. از مظلومان تمام تقاطع جهان، با روش‌های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم. پیامبر (ص) فرمود: هر کس فرباد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان باری می‌طلبید بستود و به باری آن مظلوم برجیزد، مسلمان نیست.
۳. کسانی را که به ظاهر خود را مسلمان می‌نامند ولی با دشمنان اسلام دوستی می‌ورزند بشناسیم و فریب برنامه‌های آنها را نخوریم. روش این گروه‌ها چنین است که دشمنان اسلام مانند صهیونیست‌ها را دوست و برخی مسلمانان را دشمن معرفی می‌کنند به طوری که مردم به تدریج با دشمنان واقعی اسلام دوستی و با گروهی از مسلمانان، دشمنی می‌کنند.

درس (۳۲): آیت‌الله بروجردی، از مراجع تقلید شیعه در ۱۳۲۷ش، با حمایت‌های او و کمک برخی از علمای سرشناس دانشگاه الأزهر مصر (بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر و کشورهای عربی) مرکزی به نام دارالتقریب بین المذاهب الإسلامية برای ایجاد

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

نژدیکی میان شیعیان و اهل سنت تأسیس شد و او با فرستان نایاب‌گانی زمینه‌های ارتباط را فراهم کرد. در آن دوره، ریاست الازهر بر عهده‌ی شیخ محمود شلتوت از بزرگ‌ترین دانشمندان اهل سنت بود. وی از پیشنهادهای آیت‌الله بروجردی استقبال کرد. او همچنین به شدت مخالف گروه‌های تکفیری بود و در مقابل آنها می‌ایستاد. یس از پیروزی انقلاب اسلامی، دارالقریب با جدیت بیشتر به کار خود ادامه داد و برنامه‌های مختلفی را به اجرا درآورد. برگزاری «هفت‌هی وحدت» و «کنفرانس سالانه وحدت اسلامی» که دانشمندان جهان اسلام گرد هم جمع می‌شوند و درباری دنیای اسلام گفت و گو می‌کنند از جمله برنامه‌های آن است.

نکته: گروه‌های تکفیری به گروه‌های تندر و افراطی گفته می‌شود که سایر مسلمانان را متهم به کفر و شرک می‌کنند مانند: وهابیت و داعش.

درس پنجم: امامت، تداوم رسالت

سؤال: در میان مسؤولیت‌های سه گانه‌ی پیامبر (ص) کدامیک با رحلت او پایان می‌ذیرد و کدام یک تداوم دارد؟

پاسخ: مسؤولیت اول یعنی دریافت و ابلاغ وحی به مردم، با ختم نبوت پایان می‌ذیرد زیرا قرآن، آخرین کتاب آسمانی است و نیازی به آوردن کتاب جدیدی نیست.

سؤال: دو مسؤولیت دیگر، یعنی تعلیم و تبیین دین (مرجعیت علمی) و ولایت و حکومت، چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟

پاسخ: در این زمینه سه فرض مطرح است:

۱. قرآن و پیامبر (ص) در این باره سکوت کرده‌اند.
۲. مانند مسؤولیت اول پایان این دو مسؤولیت را نیز اعلام کرده‌اند.
۳. جانشین تعیین کرده و دو مسؤولیت «تعلیم و تبیین دین» و «ولایت و حکومت» را بر عهده وی قرار داده‌اند.

بطلان فرض اول روشن است زیرا قرآن هدایتگر مردم در همه‌ی امور زندگی است و ممکن نیست به این دو مسؤولیت مهم (که در سرنوشت جامعه تأثیرگذار است) بی‌تفاوت باشد. همچنین پیامبر (ص) آگاه‌ترین مردم نسبت به اهمیت و جایگاه این مسؤولیت‌های است و نمی‌تواند از کنار چنین مسأله‌ی مهمی با سکوت و بی‌توجهی بگذرد. در حقیقت بی‌توجهی به این مسأله‌ی بزرگ دلیلی نقص دین اسلام است در حالی که دین اسلام کامل‌ترین دین الهی است.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

فرض دوم نیز صحیح نیست زیرا نیاز جامعه به حکومت و تعلیم و تبیین دین، پس از پیامبر(ص) نه تنها از بین نرفت بلکه افزایش هم یافت زیرا گسترش اسلام در نقاط دیگر، ظهور مکاتب و فرقه های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات جدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشت و نیاز به امام و رهبری که در میان انبوه افکار و عقاید، حقیقت را به مردم نشان دهد و جامعه را آن گونه که پیامبر اداره می کرد، اداره نماید، افزون تر می شد. علاوه بر آن حکومت و اداره هی جامعه و تعلیم و تبیین دین، امری تمام شدنی و پایان پذیر نیست و همواره جامعه نیازمند حاکم و معلمی است که بتواند راه پیامبر(ص) را ادامه دهد و احکام اسلام را اجرا نماید. بنابراین، تنها فرض سوم، منطقی و قابل قبول است یعنی پیامبر(ص) به فرمان خداوند، به تداوم تعلیم و تبیین دین و دوام حکومت پس از خود به شکل «امامت» فرمان داده و جانشین خود را تعیین کرده است و مانع تعطیلی این دو مسؤولیت شده است.

سؤال: چه کسی امام را معین و معرفی می کند و چگونه می توان او را شناخت؟

پاسخ: از آنجا که امام همه مسؤولیت های پیامبر(ص) جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد بنابراین باید همان صفات و ویژگی های پیامبر را داشته باشد تا مردم به وی اطمینان کنند و راهنمایی های او را بیذیرند. از جمله این ویژگی ها عصمت است. تشخیص عصمت نیز برای انسان ها ممکن نیست و انسان ها نمی توانند تشخیص دهند که چه کسی معصوم است. بنابراین همانطور که پیامبر از طرف خدا معرفی و معین می شود، تنها خداوند است که می تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند و به مردم بشناساند. با تدبیر در آیات و روایات نقل شده از پیامبر و مطالعه تاریخ اسلام در می باییم که خداوند، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) را به جانشینی رسول خدا (ص) و امامت بعد از وی منصوب و نیز امامان معصوم پس از او را معرفی کرده است.

درس (۳۲): برخی آیات و روایات درباره جانشینی امام علی و دیگر امامان (ع) پس از پیامبر(ص)

۱. آیه انذار = و انذر عثیرتك الافربين [؛ خویشان تزدیکت را انذار کن]

توضیح: حدود سه سال پس از بعثت، فرمانی از جانب خدا برای پیامبر آمد که خویشان تزدیکت را انذار کن (از عذاب روز قیامت پرسان)، پیامبر چهل نفر از بزرگان پنهن هاشم را دعوت کرد و آنان را به دین اسلام فراخواند و فرمود: هر که مرا باری کند چانتین من خواهد بود. مهمانان سکوت کردند و جوابی تدادند و تنها امام علی (ع) که در آن زمان نوجوانی پیش نبود برخاست و گفت: من بار و بار تو خواهم بود ای رسول خدا. درخواست پیامبر سه بار مطرح شد و هر بار، همه سکوت کردند و تنها علی (ع) قاطعانه اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس از آن، پیامبر به مهمانان فرمود: همانا این، برادر، وصی و جانشین من در میان شما خواهد بود.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

۲. آیه‌ی ولایت = إنما ولیکم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و هم راكعون [؛ همانا ولی شما خداوند و رسول اوست و مؤمنانی که در حال رکوع زکات می‌دهند.]

توضیح: این آیه پس از آن نازل شد که امام علی (ع) انگشت خود را در حال رکوع به فقیری بخشید.

۳. حدیث جابر

توضیح: پس از نزول آیه‌ی یا آیها‌ی‌ذین آمنوا طبیعوا الله و طبیعوا الرسول و أولى الأمر منکم [؛ ای مؤمنان از خدا اطاعت کنید و از رسول و ولی امرتان] جابر بن عبد الله انصاری (یکی از باران پیامبر) پرسید: ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم، لازم است اولو‌الامر را هم بشناسیم. پیامبر فرمود اولو‌الامر اینها هستند: امام علی (ع) و پس از او به ترتیب حسن، حسین، علی، محمد (باقر)، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و پس از او فرزندش (هم نام و هم کنیه‌ی من) است که غائب می‌شود و غیبتش به طول می‌انجامد و فقط افرادی که اینکه راسخ دارند به او معتقد می‌مانند.

۴. حدیث تقلین = إنِّي نَارُكُ فِيمَنْ تَقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَنْتُرِنِي أَهْلُ بَيْتِي مَا إِنْ تَمْسَكْتُمْ بِهَا لَنْ تَضْلَلُوا أَبْدًا وَ إِنَّهَا لَنْ يَفْتَرِقَا حتیٰ يردا علىَ الحوض [؛ من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم: کتاب خدا و عنترتم، اهل بیت را. اگر به این دو تمسک چویید هرگز گمراه نمی‌شوید و این دو هیچگاه از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه کنار حوض کوثر بر من وارد شوند].

نکته: حدیث تقلین متواتر است یعنی آن قدر از اهل سنت و شیعه نقل شده است که جای تردید ندارد.

۵. حدیث منزلت = أَنْتَ مُنْزَلَةُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي بَعْدَكَ [؛ تو برای من به منزلتی هارون برای موسی هستی جز اینکه بعد از من پیامبری نیست].

توضیح: وقتی خداوند حضرت موسی را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، یستیبان و شریکش در امر هدایت مردم قرار دهد. خداوند درخواست موسی را پذیرفت و او را مشاور و وزیر وی قرار داد. پیامبر (ص) نیز بارها به حضرت علی فرمود: تو برای من مانند هارون نسبت به موسی هستی.

۶. حدیث غدیر

توضیح: پیامبر در آخرین سال عمر خود، پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه در روز هجدهم ماه ذی حجه در محلی به نام غدیر خم این آیه بر او نازل شد: یا آیها الرسول بلغ ما أَنْزَلْتِ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

بعضیک من الناس إن الله لا يهدی القوم الكافرین [؛ ای رسول، آنجه از سوی پروردگاریت بر تو نازل شده برسان و اگر چنین نکنی، رسالتش را نگزاردهای و خداوند تو را از مردمان حفظ می کند. خداوند کافران را هدایت نمی کند]. بعد از نزول این آیه پیامبر (ص) در یک سخنرانی مهم و مفصل مردم را برای دریافت بیام بزرگی آماده کرد. آن حضرت در فحستی از سخنرانی از مردم پرسید: ای مردم، چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سربرستی دارند. فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه [؛ هر کس که من ولی و سربرست اویم، علی نیز ولی و سربرست اوست] و در بایان سخنرانی از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غاییان برسانند. پس از آن مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام علی (ع) آمدند و با وی بیعت کردند.

نکته: حجی که پیامبر در آخرین سال عمرش به جا آورد حجه الوداع و حجه البیان نام دارد.

نکته: غدیر به معنای برکه‌ی آب و خم نام محل تلاقی راه‌های مدینه، عراق، شام و مصر بود و کاروانیان در آنجا به هم می‌رسیدند یا جدا می‌شدند.

نکته: به مناسبت‌هایی که آیه برای آنها نازل شده شان نزول یا سبب نزول می‌گویند.

نکته: دانشمندان و تاریخ‌نویسان و مفسران بزرگ جهان اسلام این واقعه را با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده اند که نام ۳۵۰ نفر از آنها در کتاب «الغدیر» آمده است. الغدیر نام مجموعه‌ی گرانبهانی است که یکی از دانشمندان شیعه در عصر حاضر به نام علامه امینی آن را در یازده جلد به زبان عربی نوشته و خلاصه‌ی آن به فارسی در یک جلد ترجمه شده.

درس (۳۴): از آنجا که امام علی و دیگر امامان (ع) دو مسؤولیت رهبری و مرجعیت دینی مسلمانان را پس از رسول خدا (ص) بر عهده دارند و گفтар آنان اسوه و راهنمای مسلمانان است، ضروری است که آنان نیز معصوم از گناه و خطأ باشند. در برخی از آیات و سخنان پیامبر (ص) به این مسأله اشاره شده مانند:

- (۱) آیه‌ی تطهیر: ام سلمه همسر رسول خدا (ص) می‌گوید روزی رسول خدا (ص) دختر بزرگوارش فاطمه‌ی زهراء، امام علی، امام حسن و امام حسین (ع) را در کنار خویش جای داد و برای آنها دعا کرد که: خدایا! اینان اهل بیت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و نایاکی حفظ کن. در این زمان فرشته‌ی وحی آمد و آیه‌ی تطهیر را خواند: *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرَّجُسُ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ يَطْهِرُكُمْ تَطْهِيرًا* [؛ همانا خدا اراده کرده که دور گرداند از شما اهل بیت پلیدی و نایاکی را و شما را کاملاً یاک و ظاهر قرار دهد].

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

با تفکر در این آیه در می‌باییم که:

الف: این آیه هرگونه گناه و بليدي را از پيامبر، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین (ع) دور می‌داند و آنان را معصوم از گناه و بليدي معرفی می‌کند.

ب: اين آيه، تعداد خاصی از خانواده‌ي پيامبر را دربرمی‌گيرد که مقام عصمت دارند و شامل همه (مانند همسران پيامبر) نمي‌شود.

ج: چون اين تعداد خاص معصوم اند، سخن و عمل آنان، مطابق با دين و بيان گننه دستورات الهي است.

نكته: پيامبر برای آگاهی مردم از اين موضوع، مدت‌ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد از در خانه‌ي حضرت فاطمه (س) می‌گذشت و اهل خانه را «اهل بيت» صدا می‌زد و آيدی تطهير را می‌خواند.

درس (۳۵): از آنجا که در زمان رسول خدا (ص) از میان اهل بيت فقط امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین (ع) حضور داشتند، در اين ماجرا تنها نام اين چهار بزرگوار ذکر شده است. در مسخنان ديگر پيامبر، امامان بعدی (ع) هم جزء اهل بيت شمرده شده‌اند. نتيجه‌گيری :

۱. پيامبر با هدایت و راهنمایي خداوند، حضرت علی و یازده فرزند ایشان (ع) را به جانشينی خود معرفی کرده است و آنان عهده دار مستولیت امامت‌اند.

۲. لازمه‌ي اين مرتبه از جانشينی، علم كامل و عصمت از گناه و اشتباه است همان گونه که رسول خدا (ص) اين دو ويزگي را دارا بود.

۳. حضرت فاطمه‌ي زهراء (س) جزء اهل بيت است و اگرچه عهده دار امامت نبود اما علم و عصمت كامل دارد و پيروی از کلام و رفتار وي بر همه‌ي مسلمانان واجب و سرجشمه‌ي هدایت و رستگاري است.

درس ششم: پيشوايان اسوه

درس (۳۶): پيامبر (ص) يس از ۱۳ سال تلاش برای هدایت مردم در مکه، با دعوت مردم مدینه به آنجا مهاجرت کرد و به فرمان خدا حکومت اسلامی تشکيل داد. اين حکومت به تدریج گسترش یافت و يس از ۱۰ سال تمام شبه جزیره‌ي عربستان را گرفت. رفتار او در اين مدت به گونه‌اي بود که در همه‌ي ابعاد فردی و اجتماعی الگو و اسوه‌ي انسان‌ها شد. خدا درباره‌ي او در اين زمينه فرموده: لقدر کان لكم في رسول الله أسوة حسنة [قطعاً برای شما در رسول خدا سرمشق نیکوبی است]. امام

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

علی (ع) نیز وقتی حکومت را به دست گرفت اعلام کرد من براساس ۱) دستورات قرآن و ۲) سنت رسول خدا حکومت می‌کنم و بر همین اساس اصلاحات مهمی را در جامعه آغاز کرد.

درس (۳۷): سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) در رهبری جامعه شامل این امور بود:

۱. تلاش برای برقراری عدالت و برابری: یکی از اهداف مهم حکومت الهی پیامبر اجرای عدالت بود و او در این مورد با قاطعیت عمل کرد و کوشید تا جامعه‌ای عادلانه بنا کند که در آن از تبعیض خبری نباشد و همه در برابر قانون الهی یکسان باشند با آنکه در آن روزگار تبعیض و تفاوت طبقاتی یک قانون یذیرفته شده بود و کسی با آن مخالفت نمی‌کرد. آن حضرت درآمد بیت المال را میان مسلمانان به تساوی تقسیم کرد و فرقی میان عرب و غیرعرب و سیاه و سفید نمی‌گذاشت و در برابر خانع شدن حقوق افراد جامعه می‌ایستاد و متجاوزان حقوق مردم را در هر موقعیت و مقامی که بودند، مجازات می‌کرد.
۲. محبت و مدارا با مردم: رفتار پیامبر با مردم به قدری محبت‌آمیز بود که مردم او را پدر مهربان خود می‌دانستند. هرگز به خانه آن حضرت می‌رفت، به او احترام می‌گذاشت تا آنجاکه گاهی ردای خود را زیر یا او بین می‌کرد هرگز در مقابل پارانش پای خود را دراز نمی‌کرد.
۳. سخت کوشی و دلسوزی در هدایت مردم: پیامبر چنان علاقه‌مند به نجات مردم از گمراهمی بود و آن قدر برای هدایتشان شبانه روز تلاش کرد که خداوند در این باره خطاب به مسلمانان فرمود: رنج شما برای او سخت و دشوار است و بر [هدایت] شما حريص (به شدت علاقه‌مند) است» با همه‌ی این دلسوزی‌ها و زحمت‌ها، دشمنی سران قریش با او بیشتر می‌شد. می‌گفتند او ساحر، جادوگر و دیوانه است. بر سر و رویش خاکستر می‌پاشیدند، طعنه و نیش زیان به او می‌زدند. با وجود اینها آن قدر با مهربانی و صبر و تحمل، به هدایت مردم ادامه می‌داد، که گاه نزدیک بود از شدت غصه و اندوه فراوان از پا در آید چنانکه خداوند به او فرمود: «لعلک باخغ نفسک آلا یکونوا مؤمنین»؛ از اینکه برخی ایمان نمی‌آورند شاید که جانت را [از شدت اندوه] از دست بدھی]. او تلاش می‌کرد حتی کسانی را که با ایشان می‌جنگیدند هدایت کند. برخی از بزرگان قبایل جنگ‌هایی علیه آن حضرت به راه انداختند. پیامبر نیز به ناچار مسلمانان را برای مقابله با آنان بسیج اما به آنان سفارش می‌کرد؛ اگر کافری در جنگ کشته شد او را مُثله نکشید، کودکان و پیران و زنان را نکشید، حیوانات حلال گوشت را نکشید مگر اینکه برای تغذیه به آن احتیاج داشته باشد. هرگز آب مشرکان را زهرآلود نکنید و مزارع و نخلستان‌ها را نسوزانید.

تلاشی در مسیر موفقیت

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

۴. مبارزه با فقر و محرومیت: رسول خدا در همان حال که با فقر مبارزه می‌کرد و به دنبال بنای جامعه‌ای آباد و دور از محرومیت بود با کوچک شمردن فقیران و بیتوایان به مخالفت بر میخاست. از این رو، مردم را به کار و فعالیت تشویق می‌کرد، از بیکاری بدش می‌آمد و کسانی را که فقط عبادت می‌کردند و کار نمی‌کردند، مذمت می‌کرد. او به فقیران سیار احترام می‌گذاشت و اجازه نمی‌داد که به خاطر فقر مورد بی توجهی قرار گیرند و فراموش شوند. برخی از آنها دوست صمیمی ایشان به شمار می‌رفتند. تروت را ملاک برتری نمی‌شمرد. به آسانی با فقیران و محروم ترین مردم می‌نشست و صمیمانه با آنها گفت و گو می‌کرد. آنان نیز رسول خدا را همدل و همراز خود می‌پاقند. آن حضرت به باران خود می‌فرمود: به من ایمان نیاورده است کسی که شب را با شکم سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد.

درس (۳۸): امام علی (ع) ده سال قبل از بعثت پیامبر (ص)، در خانه‌ی کعبه به دنیا آمد. پدرش ابوطالب به پیشنهاد پیامبر، نام او را علی گذاشت. این نام به معنای والا و بلندمرتبه است. علی (ع) سه یا چهار سال بیشتر نداشت که به خانه پیامبر (ص) آمد و چند سال نزد او زندگی کرد. خودش درباره‌ی این دوران می‌فرماید: من مانند بجهی از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می‌رود، از آن بزرگوار پیروی می‌کردم و او هر روز پرچمی از خوی‌های نیکوی خود را برای من می‌افراشت [یعنی اخلاق نیکی به من می‌آموخت] و مرا به پیروی کردن از آن فرمان می‌داد. بدین طریق علی (ع) در کمالات انسانی به اوج رسید و مقامش نزد پیامبر (ص) بسیار بالا بود تا آنجا که درباره‌ی او فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد [یعنی علی (ع)] و شیعیان و پیروان او، رستگارند و در روز قیامت اهل نجات.

نکته: رسول خدا (ص) در سخنان خود از کلمه‌ی شیعه که به معنای پیرو می‌باشد، استفاده کرده و پیروی از امام علی (ع) را سبب رستگاری دانسته. بنابراین حدیث شیعه مسلمانی است که به فرمان خدا و پیامبر (ص)، امام علی (ع) را جانشین پیامبر می‌داند و از او پیروی می‌کند.

نکته: لفظ شیعه واژه‌ای قرآنی است. مثلاً در قرآن، حضرت ابراهیم (ع) شیعه و پیرو حضرت نوح (ع) معرفی شده و درباره‌ی ایشان آمده: وَ إِنْ مِنْ شَيْعَتِ لَأَبْرَاهِيمَ [؛ همانا یکی از شیعیان نوح، ابراهیم است]. پس ابراهیم از آن جهت که راه نوح را ادامه داده، شیعه و پیرو نوح است.

سؤال: چرا با وجود همه‌ی تلاش‌هایی که پیامبر در معرفی امام علی و بیان فضائل او داشت، پس از وفاتش بسیاری از مردم به خصوص رؤسای قبایل و بزرگان قوم، کمتر به این حقیقت توجه کردند؟

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

پاسخ: یکی از علل این بی توجهی، افکار و اندیشه‌های باقی مانده از دوران جاهلیت قبل از اسلام بود که به این آسانی از ذهن و فکر مردم خارج نمی‌شد. در جاهلیت، بزرگان قبایل به این دلیل که رئیس قوم بودند، از بزرگی و شرافت برخوردار بودند و فضیلت‌هایی مانند: علم، عدالت‌خواهی، جوانمردی، صداقت و یاکی، ارزش و جایگاهی نداشت. آنان حتی میان فرمان و دستور پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان خدا و پیامبر، به سوی فرمان بزرگان قوم خود متمایل می‌شدند.

درس (۳۹): بزرگان علم و دانش، اعمّ از مسلمان و غیرمسلمان، با شگفتی مشاهده کردند که فضایلی در آن امام هست که به سخنی در یک فرد جمع می‌شود. آن امام در میدان جنگ شجاع‌ترین، در محراب عبادت، عابدترین، در مقام قضایت، دقیق‌ترین، در کلاس درس، عالم‌ترین در بلاغت و زیبایی سخن، بلیغ‌ترین و در عرصه‌ی حکمرانی عادل‌ترین بود.

نکته: میخائيل نعیمه مسیحی معاصر لیbanی در مقدمه‌ی کتاب «امام علی» تألیف جرج جرداق نوشته: علی (ع) تنها در میدان جنگ قهرمان نبود، در همه جا قهرمان بود. در صفاتی دل، یاکی و جدان، جذابت سحرآمیز بیان، انسانیت واقعی، حرارت ایمان، آرامش شکوهمند، یاری مظلومان، تسلیم بودن در برابر حقیقت، او در همه‌ی این میدان‌ها قهرمان بود. او مانند رسول خدا (ص) همه‌ی فضائل الهی را در خود جمع کرده بود و تمام ویژگی‌هایی را که یک رهبر جامعه باید دارا باشد، دارا بود.

درس (۴۰): دو مورد از فضائل امام علی (ع):

۱. عدالت بی‌مانند: امام علی (ع) پس از ۲۵ سال خانه نشینی زمانی که با درخواست عمومی مردم و اصرار آنها خلافت را قبول کرد بالگو قرار دادن سیره و روش پیامبر، عدالت و مبارزه با تبعیض و نابرابری را سرلوحه‌ی کار خود قرار داد. او در همان روزهای آغاز حکومتش به مسجد رفت و فرمود: ای مردم، گروهی بیش از حق خود از بیت‌المال برداشته‌اند و ملک و باغ خریده‌اند ... اینان در حقیقت ننگ دنیا و عذاب آخرت را خریده‌اند اما بدانید که من حق مردم مظلوم را از اینان بازمی‌ستانم و از این پس سهم همه‌ی مسلمانان را از بیت‌المال به طور مساوی خواهم داد. عده‌ای که دوره‌های قبیل دریافت‌های کلان داشتند به شدت ناراحت شدند اما علی (ع) فرمود: سوگند به خدا اگر همه‌ی دنیا را به من بدهند تا به اندازه‌ی گرفتن بوست جو، از دهان موری خدا را نافرمانی کنم، نخواهم کرد.

۲. علم بی‌کران: یکی از ابعاد شگفت‌انگیز شخصیت امام علی (ع) علم و معرفت وی بود. علی در جهان شناسی، انسان شناسی، دین شناسی، حکومت و کشورداری، نظام اجتماعی و اقتصادی، اخلاق و فضیلت و سایر موضوعات مورد نیاز هدایت و سعادت انسان سخن گفته و ما را راهنمایی کرده است. کتاب نهج البلاغه که بخشی از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پند و اندیزه‌های ایشان را در خود جای داده، حکایتگر این دانش بی‌مانند است. این ایمی‌الحدید از دانشمندان

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

بزرگ اهل سنت شرح مفصلی بر نهج البلاغه نوشته که امروزه در چندین جلد، چاپ شده است. او در مقدمه‌ی کتاب خود می‌گوید: سخن علی (ع) از سخن خالق (قرآن) فروتر و از سخن مخلوق (دیگر انسان‌ها) برتر است.

نکته: امیرالمؤمنین جز نزد پیامبر (ص) نزد کسی دیگر شاگردی نکرده و در حقیقت، دانش ایشان متصل به دانش پیامبر بود و دانش پیامبر نیز از وحی الهی سرچشمه می‌گرفت. پیامبر در این باره فرمود: آنا مدینة العلم و علی باها فمن أراد العلم فليأئها من باها [؛ من شهر علم هستم و علی در آن است. هر کس می‌خواهد به این علم برسد باید از در آن وارد شود.]

نکته: نهج البلاغه توسط سید رضی در قرن چهارم هجری جمع آوری شد. وی کتاب‌های حدیثی و تاریخی زمان خود را که سخنان امام علی (ع) در آنها بود گردآورد و گزیده‌ای از آن سخنان را در یک کتاب قرار داد و آن را نهج البلاغه نامید.

نکته: در میان شرح‌های فارسی نهج البلاغه می‌توان شرح استاد محمد تقی جعفری و شرح آیت‌الله مکارم شیرازی را نام برد.

نکته: جرج جرداق، نویسنده، شاعر و نمایشنامه نویس مسیحی معاصر لبنانی از شیفتشگان امام علی (ع) و نهج البلاغه است. او پنج جلد کتاب درباره امام علی (ع) نوشته که یکی از آنها امام علی، صدای عدالت انسانی نام دارد.

درس هفتم: وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، پس از رسول خدا

درس (۴۱): پس از رسول خدا (ص) حوادثی پیش آمد که باعث دور افتادن مردم از رهبری و هدایت امامان معصوم (ع) شد.

نکته: آیه‌ی زیر به مسلمانان هشدار می‌دهد که پس از درگذشت پیامبر، تعالیم آن حضرت را فراموش نکنند و از فرماتیری امامان (ع) خارج و در تیجه گمراه نشونند. و ما محمد إلا رسول قد خلت من قبله الرسل أفيان مات أو قتل اقلبتم على أعقابكم و من يقلب على عقيبه فلن يضر الله شيئاً و سبجزي الله الشاكرين [؛ و محمد نیست مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] بازمی‌گردید؟ و هر کس به گذشته بازگردد به خدا هیچ گزند و زیانی نرساند و خداوند به زودی سپاسگزاران را یاداش می‌دهد.]

خلاصه‌ای از رخدادهای عصر امامان پس از رحلت رسول خدا (ص) [این حوادث نشان می‌دهد که بسیاری از مسلمانان تعالیم پیامبر را به فراموشی سپردند و از اطاعت وصی و جانشین پیامبر، امام علی (ع) و دیگر امامان (ع) سرباز زدند.]

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۴۲): پس از رحلت پیامبر (ص) حادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر برنامه‌ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد. در نتیجه نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم (ع) با وجود حضور در جامعه، قادر قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه‌ی مسؤولیت‌های خود شدند و فقط در یک دوره‌ی کوتاه چهار سال و نه ماهه حکومت به امام علی (ع) رسید و آن حضرت، در همین دوره‌ی کوتاه و با وجود مشکلات و جنگ‌هایی که با عهده‌شکنان و دشمنان داخلی داشتند (جمل - صفين - نهروان)، عالی‌ترین نمونه‌ی حکومت را عرضه کردند.

درس (۴۳): طولی تکشید که حکومت به دست بنی امية افتاد. آنان کسانی بودند که سرخختانه با پیامبر (ص) مبارزه کردند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر (ص) مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را بر عهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر (ص) به ناجار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. پسر او، معاویه که جنگ صفين را علیه امیر المؤمنین (ع) به راه انداخت، در سال چهلم هجری و با بهره‌گیری از ضعف و سستی باران امام حسن (ع)، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا (ص) را به سلطنت تبدیل کرد.

درس (۴۴): معاویه برخلاف تعهدی که به مسلمانان داده بود، بزید را چانشین خود قرار داد. بزید هر کار را که نایندی را انجام می‌داد، او احکام خداوند مانند نماز را به بازی می‌گرفت، آشکارا شراب می‌خورد، سگ بازی و میمون بازی می‌کرد و آنها را کنار دست خود می‌نشاند. او نوه‌ی گرامی پیامبر (ص)، امام حسن و فرزندان و بارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خاتواده‌ی ایشان را که نوادگان پیامبر (ص) بودند به عنوان اسر در شهرها گرداند.

درس (۴۵): امام علی (ع) در سخنرانی‌های متعدد، بارها مسلمانان را نسبت به ضعف و سستی شان بیم می‌داد و آینده‌ی سریچی از دستورات خود و پیامبر و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوار شدن بنی امية بر تخت سلطنت بود می‌دید و آنان را از چنین روزی بیم می‌داد.

درس (۴۶): پس از سقوط بنی امية، حکومت به دست بنی عباس افتاد. آنان با اینکه خود را از عموزادگان پیامبر می‌دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امية گرفته بودند روش سلطنتی بنی امية را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر (ع) از چیزی فروگذار نکردند.

درس (۴۷): چالش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امامان (ع) که نتیجه‌ی دوری از راه آن بزرگواران بود عبارت‌اند از:
۱. متنوعیت از نوشن احادیث پیامبر اکرم (ص): پس از رحلت پیامبر سفارش آن حضرت به نوشن سخنانشان نادیده گرفته شد و نوشن احادیث آن حضرت ممنوع شد. به همین جهت کسانی که به این احادیث علاقه‌مند بودند فقط

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

می توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، نتایج نامطلوبی داشت از جمله:

الف) احتمال خطأ و کم و زیاد شدن عبارت‌ها یا فراموش شدن احادیث افزایش یافت.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث پیش آمد و آنان براساس غرض‌های شخصی به جعل یا تحریف حدیث پرداختند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

ج) بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت می‌بهردند. آنان نیز ناچار شدند سلیقه‌ی شخصی را در احکام دینی دخالت دهند و گرفتار اشتباهات بزرگ شدند.

نکته: با اینکه سال‌ها بعد، منع نوشتن حدیث پیامبر برداشته شد و حدیث‌نویسی رواج یافت اما به دلیل عدم حضور اصحاب پیامبر در میان مردم به دلیل مرگ یا شهادت، احادیث زیادی جعل یا تحریف شد به طوری که احادیث صحیح از غلط به سادگی قابل تشخیص نبود.

نکته: این اوضاع نابسامان حدیث برای پیروان ائمه (ع) پیش نیامد زیرا آن بزرگواران احادیث پیامبر را حفظ کرده بودند و شیعیان این احادیث را از طریق آنها که انسان‌هایی معصوم و به دور از خطأ بودند به دست آوردند.

۲. تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث: برخی از عالیان وابسته به بنی‌امیه و بنی‌عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحباج که مسلمان شده بودند، از شرایط برکت‌نار بودن امامان معصوم (ع) استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره‌ی پیامبران (ع) برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به کتاب‌های تاریخی و تفسیری راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد.

نکته: کعب الاحباج از علمای یهودی تازه مسلمان بود در زمان خلیفه‌ی سوم به مقام قضاؤت رسید و پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر کارهای آنان شد. حکام اموی که سرگرم جمع‌آوری تروت و ساختن کاخ‌های باشکوه بودند، وقتی با اعتراض مردم رویه رو می‌شدند، به کعب الاحباج روی می‌آوردند [نا] کارهای خلاف آنها را توجیه کند. او به دستور معاویه احادیثی جعل کرد که نشان دهد سرزمین شام که محل حکومت معاویه بود، از مکه و مدینه نزد خداوند برتر است. از جمله احادیث ساختگی او اینها هستند: محبوب ترین سرزمین‌ها در پنهانی زمین، نزد خداوند شام است و محبوب ترین نقطه‌ی شام، نزد خداوند، قدس است؛ خداوند نه دهم خیر و برکت خود را در شام قرار داده و یک جزء یافی مانده را در تمام نقاط

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

زمین تقسیم کرده است. جون او اصالاً یهودی بود می‌کوشید در روایاتی که جعل می‌کند، بیت المقدس را برتر از کعبه نشان دهد از این رو از پیامبر (ص) نقل می‌کرد: کعبه هر روز صبحگاهان برای بیت المقدس سجده می‌کند!

۳. ارائه الگوهای نامناسب: عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله‌رو شخصیت‌های برجسته‌ی جامعه هستند و آنها را اسوه قرار می‌دهند. در زمانی که رسول خدا اسوه مردم بود، انسان‌های آزاده، با ایمان و شجاعی جون امام علی (ع)، مقداد، عمار، ابیذر و سلمان تربیت شدند. اما هرچند که جامعه از زمان پیامبر فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصولی اسلامی به خصوص اهل بیت پیامبر (ع) را در اتزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند مانتند: ابوهریره و کعب الأحبار را راهنمای مردم معرفی کنند. ابوهریره که خودش به صراحت سیر شدن شکمش را دلیل مسلمان شدنش بیان می‌کرد، به شدت طرفدار معاویه بود و احادیث بسیاری در فضیلت او جعل کرد. از این رو به تروت و مقام بالایی رسید و معاویه او را امام جماعت و حاکم مدینه کرد. او در یکی از احادیث جعلی خود می‌گوید: از پیامبر شنیدم که می‌گفت خداوند امانت و حی را به سه نفر سپرده: من، جبرئیل و معاویه! او آنقدر احادیث جعلی ساخت که امام علی (ع) درباره‌ی او فرمود: دروغگو ترین مردم به رسول خدا (ص) ابوجریره است.

۴. تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت: پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا (ص) جاگه‌لیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. حاکمان بنی امیه و بنی عباس به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیانشان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند و خزانی خود را از جواهرات گران قیمت ایاشتند. این تغییر مسیر جامعه‌ی مؤمن و فدائکار عصر پیامبر (ص) را به جامعه‌ای راحت طلب، تسليم و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر (ص) تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ سبب شد که ائمه (ع) با مشکلات زیادی رویه رو شوند و نتوانند مردمان آن زمان را با خود همراه کنند.

درس هشتم: احیای ارزش‌های راستین

آنچه باید در این درس فراگرفت این است که امامان ما (ع) در آن شرایط سخت چگونه مسؤولیت‌های مربوط به مرجعیت دینی و ولایت ظاهری را به انجام رسانند؟ و اقدامات ایشان چه تأثیری در جامعه‌ی اسلامی داشت؟

مبحث : جزوی دین و زندگی یازدهم

درس (۴۸): امام علی (ع) یا روشن بینی و درک عمیقی که از رفتارهای مردم روزگار خود و واقعیت داشت، سرنوشت و آینده‌ی ناسامان جامعه‌ی اسلامی را پیش بینی کرد و در سخنرانی‌های متعدد، مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم داد و پس از آگاه کردن مردم و هشدار به آنها فرمود: [در آینده‌ی تاریکی که پیش رو دارد] چیزی یوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج‌تر از دروغ بر خدا و پیامبر نباشد. نزد مردم آن زمان کالایی کم بهتر از قرآن نیست ... در آن ایام در شهرها چیزی ناشناخته‌تر از معروف و خیر و شناخته شده‌تر از منکر و گناه نیست.

درس (۴۹): امام علی (ع) برای نجات از گمراحت و تشخیص راه حق به مردم فرمود: در صورتی می‌توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می‌توانید به عهد خود با قرآن و قادر بمانید که پیمان شکنان را تشخیص دهید ... دانش اینها [قرآن] را از اهلش [امامان (ع)] طلب کنید. آنها هستند که نظر دادن و حکم کردنشان، نشان دهنده‌ی دانش آنهاست. آنها هرگز با دین مخالفت نمی‌کنند.

درس (۵۰): سرانجام به علت عدم توجه مسلمانان به هشدارهای امام علی (ع)، آنجه آن امام پیش بینی می‌کرد به وقوع پیوست. بنی امیه بر مردم حاکم شدند و دنیا اسلام را تا حد زیادی به دوران جاھلیت بازگرداند و لی با وجود این شرایط سخت و بحرانی، ائمه (ع) به شکل‌های گوناگون با این حاکمان مبارزه کردند و در مقابل تفسیرهای غلط آنها از اسلام و تعریف دین، آموزه‌های قرآن و سخنان واقعی پیامبر (ص) را در اختیار جامعه قرار دادند.

درس (۵۱): تلاش و مجاہدت امامان (ع) را می‌توان در قالب مسؤولیت‌های دوگانه‌ی مقام امامت بررسی کرد.

الف: اقدامات مربوط به مرتعیت دینی امامان (ع) که عبارت‌اند از:

۱. تعلیم و تفسیر قرآن کریم: حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می‌دادند تا قرآن را مطابق اندیشه‌های باطل خود تفسیر کنند اما امامان (ع) در هر فرصتی که به دست می‌آوردند معارف قرآن را بیان می‌کردند و در نتیجه می‌شانند معارف قرآنی توانستند از معارف قرآن بپره ببرند. به عنوان مثال در زمان ائمه گروهی پیدا شدند که گمان می‌کردند خداوند جسم دارد. آنان برای اثبات اندیشه‌ی خود از بعضی آیات قرآن مانند: يد الله فوق أيديهم [؛ دست خدا بالای دست‌هایشان است] کمک می‌گرفتند ولی امامان (ع) توضیح می‌دادند که آیات قرآن را باید با آیه‌های دیگر تفسیر کرد و قرآن می‌فرماید: ليس كمثله شیء [هیچ چیزی مانند او (خدا) نیست] پس نمی‌توان دستی مانند دست انسان‌ها برای خدا تصور کرد و در عربی «يد» علاوه بر دست، به معنای «قدرت» هم به کار می‌رود. بنابراین تفسیر آیه این است که قدرت خداوند از همه‌ی قدرت‌ها برتر است.

مبحث : جزویه دین و زندگی یازدهم

۲. اقدام برای حفظ سخنان و سیره‌ی پیامبر (ص): بعد از رحلت پیامبر (ص) نوشتن سخنان او ممنوع شد و این ممنوعیت آثار زیبایی برای مسلمانان داشت. البته امام علی و حضرت فاطمه (ع) به این ممنوعیت توجه نکردند و سخنان پیامبر را به فرزندان و یاران خود آموختند و از آنها خواستند که این سخنان را به نسل‌های بعد منتقل کنند. به عنوان نمونه حدیث سلسلة الذهب (زنگیزه طلبای) نشان می‌دهد که چگونه احادیث پیامبر (ص) از امامی به امام دیگر منتقل می‌شده است.

نکته: متن حدیث سلسلة الذهب (زنگیزه طلبای): کلمة لا إله إلا الله حصنى و من دخل حصنى أمن من عذابى [؛ کلمه‌ی لا إله إلا الله قلعه‌ی محکم من است. هرکس به این قلعه‌ی محکم وارد شود، از عذاب من در امان است.]

نکته: این حدیث از امام رضا (ع) است و آن حضرت فرمود: من آنرا از پدرم، امام کاظم (ع) تشنیدم و او از پدرش، امام صادق (ع) و او از پدرش، امام باقر (ع) و او از پدرش، امام سجاد (ع) و او از پدرش، امام حسن (ع) و او از پدرش، امام علی (ع) و ایشان از رسول خدا (ص).

نکته: این حدیث را امام رضا هنگامی که به اجبار مأمون، از مدینه به مرو (پایتخت حکومت مأمون) می‌رفت، در مسیر حرکت خود، در شهر نیشاپور زمانی که هزاران نفر از مردم به استقبال ایشان آمده بودند و گروه زیادی از آنان، قلم‌هایشان را آماده کرده بودند تا هرجه امام می‌گوید، بتویست و برای خود و آیندگان نگه دارند، بیان فرمود.

نکته: امام یس از ذکر حدیث فرمود: ورود در قلعه‌ی لا إله إلا الله و در امان ماندن از عذاب خدا شرط‌هایی دارد و من از شرط‌های آن هستم. یعنی توحید تنها یک لفظ و شعار نیست بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست میسر می‌شود.

۳. تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای تو: با گسترش سرزمین‌های اسلامی، سوال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق، افکار و نظام کشورداری پدید آمد و ائمه (ع) یا اینکه با حاکمان زمان خود مخالف بودند، اما به دور از گوشه‌گیری و با حضور سازنده و فعل، با تکیه بر علم الهی خود، درباره‌ی همسی این مسائل اظهارنظر می‌کردند و مسلمانان را از معارف خود بهره‌مند می‌ساختند. ثمره‌ی این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره‌ی ائمه (ع) در کنار سیره‌ی پیامبر و قرآن کریم است مانند: نهج البلاغه (خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات امام علی) و صحیفه‌ی سجادیه از امام سجاد (ع). نمونه‌ی پاسخ دادن به نیازهای جدید جامعه، قانون بازنیستگی بود که توسط

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

امام علی (ع) در زمان خلافتش با مشاهده‌ی پیرمردی مسیحی نایسنایی که پس از عمری کار و تلاش، در زمان پیری، به گذایی افتاده بود تأسیس شد.

(ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری: امامان از دو جهت با حاکمان زمان خود مبارزه می‌کردند:

اول) از آن جهت که رهبری و اداره‌ی جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده بود و لازم بود برای انجام دادن این وظیفه به پا خیزند و در صورت امکان، حاکمان غاصب را برکنار کنند تا با تشکیل حکومتی بر مبنای اسلام راستین، قوانین اسلام را به اجرا درآورند و عدالت را برقرار سازند.

دوم) از آن جهت که این حاکمان غاصب، قوانین اسلام را زیر پا می‌گذاشتند و به مردم ستم می‌کردند، امامان وظیفه داشتند براساس اصل امر به معروف و نهی از منکر با آنان مقابله کنند و مانع زیر پا گذاشتن قوانین اسلام شوند و از حقوق مردم دفاع کنند.

درس (۵۲): اصول کلی امامان (ع) در مبارزه با حاکمان: امامان در مبارزه‌ای که با حاکمان جور داشتند از اصولی تبعیت می‌کردند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. عدم تأیید حاکمان: امامان هیچیک از حاکمان غیرقانونی عصر خویش را به عنوان جانشین پیامبر (ص) تأیید نمی‌کردند و این موضوع را به شیوه‌های مختلف به مردم اطلاع می‌دادند. البته اگر حاکمی در موردی بر طبق دستور اسلام عمل می‌کرد، آن مورد را تأیید می‌کردند اما در غصب خلافت و جانشینی پیامبر (ص) همه را یکسان می‌دیدند.
۲. معرفی خویش به عنوان امام بر حق: آنها همواره خود را به عنوان امام و جانشین بر حق پیامبر (ص) معرفی می‌کردند به گونه‌ای که مردم پدانند تها آنها جانشینان رسول خدا و امامان بر حق جامعه‌اند.
۳. انتخاب شوه‌های درست مبارزه: آنها شیوه‌ی مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان بر می‌گزینند به گونه‌ای که هم تفکر اسلام راستین باقی بماند، هم به تدریج بنای ظلم و جور بینی امیه و بینی عباس مستثنا شود و هم روش زندگی آنها (ع) به نسل‌های آینده معرفی گردد. رفتار ائمه (ع) در طول ۲۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر تا امامت امام عصر (ع) و غیبت ایشان، چنان مکمل یکدیگر است که گویی یک شخص می‌خواهد برای رسیدن به مقصد مسیری را پیساید، ولی مسیر یکدست نیست. گاهی هموار است و گاهی ناهموار، گویی یک انسان است که ۲۵۰ سال زندگی کرده است و در شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی، روش‌های مناسب را برگزینده و عمل کرده است. آنها می‌کوشیدند

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت داشت در قالب نقیه پیش برنده گونه‌ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند.

صروری کوتاه بر مبارزه‌ی امامان:

درس (۵۳): امام علی (ع) پس از اینکه از حق مسلم خود در رهبری جامعه اسلامی محروم ماند، برای حفظ نظام نویای اسلامی سکوت پیشه کرد. در عین حال گوشہ‌گیری هم در پیش نگرفت. او هرچا که کاری خلاف موازین اسلام می‌دید، انتقاد می‌کرد و هرچا که از آن حضرت کمک می‌خواستد، آنان را یاری می‌نمود تا اینکه مردم پس از خلیقه‌ی سوم به سوی امام آمدند و یک صدا از ایشان خواستند که حکومت را بپذیرد. امام وقتی حکومت را به دست گرفت به سرعت دستور برکناری فرمانداران فاسد و ظالمی همچون معاویه را داد و به برقراری عدالت در جامعه پرداخت.

درس (۵۴): امام حسن (ع) نیز هائند یدر شان، دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد ولی معاویه با صرف هزینه‌های زیاد توانست بیشتر فرماندهان سپاه امام را از نبرد با خود منصرف کند و با خیله‌های گوناگون، بسیاری از مردم را با خود همراه سازد. امام پا سنجیدن شرایط، سرانجام صلاح را بر آن دید که برخلاف میل خود، با معاویه قرارداد صلح امضا کند. او در این قرارداد از معاویه تعهد گرفت که شیعیان و باران امیر المؤمنین (ع) را آزار ندهد و برای خود جانشین تعیین نکند اما معاویه یکی پس از دیگری، بندهای قرارداد را زیر پا گذاشت و در آخر نیز، بیزید را جانشین خود کرد.

درس (۵۴): امام حسین (ع) در زمان معاویه همان روش برادر بزرگوارش را پیش گرفت و تا معاویه زنده بود (به مدت ده سال) علیه او جهاد نکرد ولی با انتقادهای شدید از معاویه، مردم را آگاه می‌کرد. وقتی بیزید به حکومت رسید امام روش خود را تغییر داد و مناسب با شرایط جدید، تصمیم گرفت زیر بار بیعت بیزید نرود و علیه وی قیام کند. رفتار و کردار بیزید آن قدر از اسلام دور و بیگانه بود که امام حسین (ع) می‌دانست اگر بیزید را تأیید کند و او به حکومتش ادامه دهد، حقیقت اسلام نابود خواهد شد.

درس (۵۵): پس از شهادت امام حسین (ع) سرکوبی طرفداران اهل بیت (ع) به شدت آغاز شد. گروهی از مردم کوفه (= توابین) که امام را همراهی نکرده بودند، از عمل خود پیشمان شدند و توبه و علیه بیزید قیام کردند ولی سرکوب شدند. بنی امیه هر کس را که احتمال می‌دادند طرفدار اهل بیت (ع) است، اذیت می‌کردند به همین جهت امام سجاد (ع) در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید حیات نهضت شیعیان پرداخت و انسان‌هایی معتقد و دارای پیش‌عمیق تربیت کرد. به سبب همین اقدامات بار دیگر تشیع به عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور قعال پیدا کرد.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۵۶): در اثر فعالیت‌های امام سجاد و قوت گرفتن شیعیان و ضعف تدریجی بنی‌امیه، در دوران امام باقر (ع) زمان معرفی اسلام اصلی فرا رسید و ایشان یک نهضت علمی و فرهنگی بزرگ را آغاز کرد. اولین اقدام امام، تربیت شاگردانی بود که بتوانند اعتقادات اهل بیت (ع) را در میان مردم گسترش دهند. این اقدام به منزله پایه گذاری یک مدرسه‌ی علمی در مدینه بود که با توجه به ظهور فرقه‌های گوناگون در جهان اسلام، اقدامی ضروری به شمار می‌رفت. در این مدرسه علمی، معارف اصلی اسلامی تدریس می‌شد. در عین حال، امام پیوسته شایستگی حاکمان غاصب و جبار بنی‌امیه را زیر سوال می‌برد.

درس (۵۷): در زمان امام صادق (ع) تاختنودی نسبت به دستگاه بنی‌امیه به اوج رسید. در این شرایط دو جریان علیه امویان فعالیت می‌کردند، یکی عباسیان و دیگری علویان. به همین جهت امام صادق (ع) مبارزه‌ی خود را علنی ترکرد و حتی قیام زید بن علی، عمومی خود را تأیید کرد. البته بر اثر اشتباہات مسلمانان و روی آوردن آنها به بنی‌عباس و پیروز شدن بنی‌عباس بر بنی‌امیه، دوران اختناق و سختگیری نسبت به علویان دوباره آغاز شد. امام صادق (ع) در تمام دوران امامت خود، جهاد علمی امام باقر (ع) را ادامه داد و هزاران شاگرد در رشته‌های مختلف معارف اسلام تربیت کرد.

درس (۵۸): زمان امام کاظم (ع) اختناق شدید بود. اما ایشان دست از مبارزه برنداشت و آن را به صورت آشکار و مخفی ادامه داد و به تربیت شیعیان پرداخت. آن امام، سال‌های طولانی در زندان‌ها به سر برد تا اینکه به وسیله هارون در زندان به شهادت رسید.

نکته: یکی از اصحاب و شاگردان ممتاز امام صادق و امام کاظم (ع) هشام بن حکم بود. وی سخنوری توانا بود و در بحث‌های کلامی و جدل‌های فکری با مخالفان اهل بیت (ع) مهارت کامل داشت و همواره در بحث با آنها پیروز می‌شد. امام صادق (ع) به وی علاقه فراوان داشت و فرمود: هشام از پیشتازان احقيق حق ما و پیشگام در نشر گفته‌های ما و درهم شکننده‌ی دشمنان ماست.

درس (۵۹): بعد از شهادت امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) رهبری شیعیان را بر عهده گرفت. ده سال از امامت ایشان در دوره‌ی هارون عباسی بود که دوران بسیار سختی بود. با روی کار آمدن مأمون زمینه‌ی فعالیت شیعیان بیشتر شد و بر تعداد علاقمندان به امام افزوده شد به طوری که مأمون برای جلب امام و علویان به خود، به اجبار و زور امام را ولیمهد و جانشین خود معرفی کرد اما بعدها به خاطر ناکامی در نقشه‌های خود، امام را به شهادت رساند.

درس (۶۰): با شهادت امام رضا (ع) مرحله‌ی بسیار سختی برای شیعیان و علویان یدید آمد، به طوری که حتی ارتباط معمولی و رفت و آمد به خانه‌ی امام جواد (ع) مشکل شد. امام هادی (ع) را به اجبار به سامرا اکه مرکز خلافت بود، آوردند و در یک

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

پادگان نظامی منزل دادند و بالاخره در همان محل به شهادت رساندند. امام حسن عسکری (ع) نیز در همان محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. با وجود همه‌ی این سختگیری‌ها، این سه امام بزرگوار، معارف بازمانده از پدران خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان خود به نسل‌های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل‌بیت (ع) شدند. به عنوان مثال زیارت جامعه‌ی کبیره یکی از منابع معرفتی شیعه است که توسط امام هادی (ع) بیان شد و یاران آن امام آنرا برای شیعیان نقل کردند. این زیارت مانند یک درس امام شناسی سبب شناخت بهتر امامت و ویژگی‌های ائمه (ع) است. در این دوره فعالیت وکلا و نمایندگان امام اوج گرفت. وکلا افرادی بودند که از سوی امامان به عنوان نماینده‌های آنان در شهرهایی که شیعیان حضور داشتند، منصوب می‌شدند. کار این وکلا ارتباط پیوسته با شیعیان و تعیین وظایف آنان بود. آنان مخفیانه خدمت امامان می‌رسیدند و پیام آنها را به مردم می‌رساندند. تشکیل این نظام ارتباطی، مانع از هم پاشیدگی شیعیان در این دوره گردید. ارتباط از طریق وکیل، زمینه را برای غیبت امام عصر نیز آماده می‌کرد. در زمان امامت امام عصر در غیبت صغیری، امام جهار نایب خاص، به ترتیب یکی پس از دیگری تعیین کرد که رابط میان او و مردم بودند و چون دوره‌ی غیبت کبری (طولانی) فرا رسید، این شیوه‌ی ارتباط نیز قطع شد و رهبری و راهنمایی جامعه در شکل و قالب دیگری ادامه یافت.

درس (۶۱): وظیفه‌ی ما در برابر پیامبر و امامان (ع). ما پیرو و شیعه‌ی انسان‌هایی هستیم که جان و همه‌ی زندگی خود را برای نجات و رستگاری انسان‌ها قدا کردند. آنها اکنون ناظر بر ما هستند و به پیروان خود می‌نگرند تا بیبنند آنان چه می‌کنند. پس شایسته است به گونه‌ای زندگی کنیم که سبب بدینی دیگران نسبت به شیعیان نشویم و بدایم که شیعه بودن تنها به اسم نیست بلکه اسم باید با عمل همراه باشد تا پیروی حقیقی پدید آید. امام صادق (ع) فرمود: مایه‌ی زینت و زیبایی ما باشید نه مایه‌ی زشتی و عیب.

درس (۶۲): محبت با معرفت [باید باشد]. در عشق و محبت به اهل بیت (ع) توجه به موارد زیر ضروری است:

۱. محبت و دوستی باید با معرفت و شناخت عمیق نسبت به آنان همراه باشد. محبت آمیخته با جهل، همواره خط‌نماست و در بسیاری از موارد به رفتارهایی منجر می‌شود که خدا و پیشوایان دین از آنها بیزارند.

نکته: امام علی (ع) درباره‌ی علاقمندان بی معرفت می‌فرماید: دو تن در رابطه با من هلاک شدند؛ دوستی که (در دوستی اش) غلو و زیاده‌روی می‌کند (او مرا از مرتبه‌ی ولایت و امامت بالاتر می‌برد) و دشمنی که در دشمنی با من پای می‌نشارد.

۲. سیره‌ی پیامبر و ائمه (ع) نشان می‌دهد که آنها با ادعای محبت بدون معرفت و عمل، مبارزه کرده و پیروان خود را از آن منع کرده‌اند. بنابراین میزان نزدیکی هر کس به آنان به مقدار محبت همراه با معرفت و عمل است. امام صادق (ع)

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

در این باره فرمود: سلام ما را به دوستانمان برسان و به آنان اعلام کن پاداش الهی را جز با عمل و ولایت ما را جز با خوبیشن داری [در مقابل گناهان و تقوی] به دست نمی آورند.

۳. محتوای مراسم چشنهای اهل بیت (ع) از قبیل اشعار، سرودها و مداحی‌ها باید به گونه‌ای باشد که بیانگر محبت همراه با معرفت و سازگار با احکام شرعی باشد. اشعار و عبارات سطحی و پیش‌پاقنده و انجام حرکات نسنجیده موجب رنجش آن بزرگواران می‌شود. توجیهاتی از قبیل «در هنگام ابراز محبت، آداب را باید کنار گذاشت»، «اهل بیت (ع) انسان‌هایی بزرگوارند و از خطای ما می‌گذرند» و... هیچکدام در درگاه الهی و پیشگاه اهل بیت (ع) پذیرفته نیست. این مراسم باید تجلی‌گاه عفاف و حجاب، عفت کلام، انجام به موقع واجبات دینی مانند نماز، کمک به همنوعان، دوری از اسراف و تبذیر، رعایت حقوق همسایگان، دوری از رقابت‌ها و حسادت‌ها و در یک کلام باید تجلی‌گاه معرفت ائمه (ع) باشد. باید مطمئن باشیم که کارهای ما در مراسم دینی، موافق احکام الهی است و در مواردی که برای ما مشکوک است، به عالمان دین در شهر خود مراجعه و نظر آنان را جویا شویم.

درس نهم: عصر غیبت ...

درس (۶۳): حضرت مهدی (ع) دوازدهمین امام شیعیان، در صبح جمعه، نیمهٔ شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامراء متولد شد و تا سال ۲۶۰ هجری، در کنار پدر بزرگوارش زندگی کرد. امام حسن عسکری (ع) در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم بر قتل وی داشتند حفظ کرد و با آنکه در محاصرهٔ نیروها و جاسوسان حاکمان بود، او را به بعضی از یاران نزدیک و مورد اعتماد خود نشان می‌داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می‌کرد.

درس (۶۴): پس از شهادت امام عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هجری، امامت امام مهدی (ع) آغاز شد. امام از ابتدای امامت خود که تاکنون ادامه دارد، دو غیبت داشته است: غیبت صغیری و غیبت کبری.

درس (۶۵): غیبت صغیری از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ هجری طول کشید و امام در این دوره، با اینکه زندگی مخفی داشت اما از طریق چهارنفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد، پیوسته با پیروان خود در ارتباط بود و آنها را رهبری می‌کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به «نواب اربعه» و «نواب خاص» معروف‌اند. نایابان خاص امام عصر (ع) عبارت بودند از: عثمان بن سعید (به مدت ۵ سال)، محمد بن عثمان (به مدت ۴۰ سال)، حسین بن روح توبخی (۲۱ سال) و علی بن محمد سمری (۳ سال).

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۶۶): غیبت کبری از سال ۳۲۹ تا امروز ادامه دارد به این ترتیب که شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر (ع) برای او نامهای نوشت و فرمود به فرمان خدا، پس از وی جانشینی نیست و مرحله‌ی دوم غیبت آغاز می‌شود. به دلیل طولانی بودن این دوره از غیبت، آنرا غیبت کبری می‌نامند.

درس (۶۷): خداوند نعمت هدایت را با وجود امامان تمام و کامل گرده و راه رسیدن به رستگاری را برای انسان‌ها هموار ساخته است. پیامبر (ص)، خودش و امام علی (ع) را پدر امت معرفی گرده و روشن است که دلسوی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست اما فرزندان ناسیان، قادر بردن مهربان خود را نشناختند و چنان در گمراهی بیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند. حاکمان بنی عباس از اخباری که از پیامبر و امامان (ع) رسیده بود، مطلع بودند و به این دلیل امام دهم و یازدهم را سخت کنترل می‌کردند و به دنبال کشتن امام دوازدهم (ع) بودند. از آنجا که خلق‌ای بنی عباس در صدد بودند امام مهدی (ع) را نیز به محض تولد به قتل برسانند. خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده‌ی غیبت ادامه پابد و تا فراهم آمدن شرایط برای تشکیل حکومت جهانی از نظرها پنهان باشد. این غیبت آنقدر ادامه پیدا می‌کند که نه تنها مسلمانان بلکه جامعه‌ی انسانی شایستگی درک ظهور و بهرمندی از وجود آخرين حجت الهی را پیدا کند.

درس (۶۸): علت اصلی محروم شدن مردم از حضور امام عصر (ع) خود آنها هستند زیرا درست است که حاکمان بنی امية و بنی عباس، ظالمانه و غاصبانه حکومت را به دست گرفته و عاملان اصلی شهادت امامان بودند، اما پیشتر مردم تسیم این حاکمان بودند و با آنان مبارزه نمی‌کردند. اگر مردم آن دوره با حاکمان ظالم مبارزه می‌کردند، خلافت در اختیار امامان قرار می‌گرفت و آن بزرگواران، بیش از پیش مردم را به سوی توحید و عدل فرامی‌خوانند و جامعه‌ی بشری در مسیر کمال پیش می‌رفت.

نکته: در این مورد خدا فرموده: ذلک بأن الله لم يك مغيرةً نعمة أتعها الله على قوم حتى يغروا ما يأنفسهم [؛ خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها، خود وضع خود را تغییر دهند.]

نکته: امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد.

درس (۶۹): چگونگی امامت حضرت مهدی (ع): باید توجه کرد که اگر امام را غایب نامیده‌اند به این علت است که ایشان از نظرها «غایب» است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند، نه اینکه ایشان

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

در بین مردم نیست و از وضع مردم بی خبر است. امام علی (ع) می فرماید: حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان ها عبور می کند ... به نقاط مختلف می رود، سخن مردم را می شود و به مردم سلام می کند تا اینکه زمان ظهور فرارسد. آن روز، روز شادی فرزندان علی (ع) و پیروان اوست.

درس (۷۰): به دلیل غایب بودن امام عصر (ع)، بهره مندی از وجود او در عصر غیبت کاهش می باید از این رو امام خود را به خورشید پشت ابر تشییه کرده است. در این دوره نه امکان حکومت و ولایت ظاهری آن امام هست و نه امکان تشکیل جلسات درس و تعلم معارف و احکام دین. لذا این بهره مندی منحصر به ولایت معنوی می شود که نیازمند به ظاهر بودن بین مردم نیست. او به اذن خدا از احوال مردم آگاه است و افراد مستعد به ویژه شیعیان و محبان خود را از کمک ها و امدادهای معنوی خویش برخوردار می سازد. هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی عالما مانند علامه حلبی، خبر دادن از یارهای رویدادها، دستگیری از درماندگان و دعا برای مؤمنان، نمونه هایی از باری رسانی های آن حضرت است.

درس (۷۱): قرآن در برخی آیات درباره‌ی آینده‌ی زندگی انسان‌ها و عده‌هایی داده است مانند:

۱. وَعْدُ اللَّهِ الَّذِينَ آتَيْنَا مِنْكُمْ لِيُسْتَخْلِفُوهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خُوفُهُمْ أَمْنًا يَعْبُدوْنِي لَا يَسْرُكُونَ بِي شَيْئًا [؛] خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، و عده داده که آنان را جانشین در زمین قرار دهد، همانطور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد و دیشان را که برای آنان یستدیده مستقر سازد و بیم و ترسشان را به امیت مبدل سازد (به گونه‌ای که دیگر) مرا پیرستند و به چیزی شرک نورزند.]

۲. وَنَرِيدُ أَنْ نَمْنُ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمُ الْأَنْتَهِيَةَ وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ [؛] وَمَا مِنْ خَوَاهِيمْ يَرِي مُسْتَضْعَفَانَ زمِينَ، مُنْتَهِيَّمْ وَآنانَ را يَبْشُّرَوْانَ [مردم] قرار دهیم و آنان را وارثان [زمین] قرار دهیم.]

۳. وَلَقَدْ كَبَّنَا فِي الرِّبُوبِيِّ بَعْدَ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْتَهَا عِبَادُ الصَّالِحِينَ [؛] بَهْ رَاسْتَنِي در ذبور، پس از ذکر (نورات) نویشه ایم که زمین را پندگان شایسته‌ی من به ارت می بردند.]

درس (۷۲): موعود و منحی در ادبیات: پیامبران الهی برای تحقق وعده‌ی الهی پیروزی حق بر باطل در آینده‌ی تاریخ، از یک طرح الهی سخن گفته‌اند. بد گفته‌ی آنها گرچه مستکبران نمی خواهند اما روزی جامعه‌ی بشری آماده‌ی پذیرش حق خواهد شد و یک رهبر و ولی تعین شده از جانب خدا ظهور می کند و حکومتی عادلانه در جهان تشکیل می دهد. این عقیده‌ی اصلی همه پیامبران الهی است اما تعلیمات هر پیامبری، جز پیامبر اسلام (ص)، پس از وی دستخوش دگرگوئی هایی شده با وجود این، همه در اصل اتفاق نظر دارند به ترتیب زیر:

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

﴿لَهُ يَهُودِيَانْ مُعْتَقَدِنَدْ كَه هَنُوزْ مُسِيَّحْ وَ مُنجِي نِيامِدَه است وَ رُوزِي مُسِيَّحْ خَواهَدَ آمدَ وَ دِينِ مُوسِي رَا در جَهَانْ گَسْتَرَشْ وَ عَدَالَتْ رَا بِرْ قَرَارْ خَواهَدَ كَرَدَ.

﴿مُسِيَّحِيَانْ بَرَ اَيَنْ باورَنَدَ كَه عِيسَى هَمَانْ منْجِي وَ مُوعَدَ آخَرَ الزَّمَانَ است. آنانْ مُعْتَقَدِنَدْ كَه عِيسَى رَا به صَلَبِيَّ كَشِيدَنَدَ وَ كَشَتَنَدَ وَ سَهْ رُوزْ يَسَنْ اَزْ مَرْكَ، او رَا اَزْ صَلَبِيَّ پَايَنْ آوَرَنَدَ وَ دُفَنَ كَرَدَ، اَما او زَنَدَه شَدَ وَ به آسَمَانَ رَفَتَ، او دُوبَارَه ظَهُورَ مَيْ كَنَدَ وَ اَنسَانَهَا رَا نِجَاتَ مَيْ دَهَدَ.

﴿در آَيَنْ زَرَتَشَتْ بَه سُوشِيَّاَنْ بَه معنَىِ مُنجِي وَ رَهَانِتَه اَعْتَقَادَ دَارَنَدَ وَ در مَتَوْنَ زَرَتَشَتَ بَه ظَهُورَ اَيَنْ مُوعَدَ بَشَارَتَ دَادَ شَدَه اَسَتَ.

﴿ما مُسْلِمَانَانَ نَيْزَ مَانَنَدَ بِيرَوَانَ سَائِرَ اَدِيَانَ الْهُنَى عَقِيَّدَه دَارِيمَ كَه در آخَرَ الزَّمَانَ منْجِي اَنسَانَهَا ظَهُورَ خَواهَدَ كَرَدَ وَ جَهَانَ رَا به تَهَايَتَ عَدَلَ خَواهَدَ رَسَانَدَ، اَيَنْ منْجِي، اَمامَ مَهَدَى (ع) وَ اَزْ نَسْلَ بِيَامِيرَ اَكْرَمَ (ص) است. البَهْ در كَتَابَهَايِ حَدِيَّيَّيِ اَهَلَ سَنَتَ تَأْكِيدَ شَدَه كَه اَمامَ مَهَدَى اَزْ نَسْلَ بِيَامِيرَ (ص) وَ حَضَرَتَ فَاطِمَهَ (س) اَسَتَ وَلىَ آَنَانْ مُعْتَقَدِنَدَ كَه او هَنُوزْ به دِنَيَا نِيامِدَه است در حالِيَّ كَه ما شَيْعِيَانْ مُعْتَقَدِيَمَ كَه بَنَابِرَ سَخْنَانَ صَرِيحَ بِيَامِيرَ وَ اَنَمَهَ (ع)، مُوعَدَ وَ مُنجِي اَنسَانَهَا، دَوَازَدَهَمِينَ اَمامَ وَ فَرَزَنَدَ اَمامَ حَسَنَ عَسْكَرِيَّ (ع) است وَ با تَوْجِهِ خَاصَ خَداوَنَدَ، به حَيَّاتِ خَوَدَ اَدَامَه مَيْ دَهَدَ تَا اِينَكَه به اَذَنَ خَداوَنَدَ ظَهُورَ مَيْ كَنَدَ وَ حَكُومَتَ جَهَانِيَّ اِسلامَ رَا تَشْكِيلَ مَيْ دَهَدَ.

نَكْتَه: مَشَخْصُ بَوْدَنَ يَدَرَ وَ مَادَرَ اَمامَ زَمَانَ (ع)، اَيَنْ فَایَدَه رَا دَارَدَ كَه اَكْفَرَ مَاجِراً جَوَيَانَ فَرِيَّيَّكَارَيِ بَخَواهَدَ خَوَدَ رَا مَهَدَى مُوعَدَ مَعْرَفَيِ كَنَنَدَ، به زَوْدِي شَناختَه مَيْ شَونَدَ وَ مَرَدَمَ هوَشِيَّارَ، فَرِبَ آَهَاهَا رَا نَمَى خَورَنَدَ.

درس (۷۳): اَعْتَقَادَ بَه زَنَدَه بَوْدَنَ آَنَ حَضَرَتَ وَ حَضُورَ اِيشَانَ در جَامِعَه فَوَایَدَ زَبَرَ رَا دَارَدَ؛ اَولَه: اَمامَ (ع) رَا حَاضِرَ وَ نَاظِرَ بَرَ خَوَدَ مَيْ يَابَنَدَ وَ مَيْ تَوَانَدَ خَواستَهَهَايِ خَوَدَ رَا با اَمامَ مَانَنَدَ دَوَسَتِيَّ صَمِيمَيِ در مِيَانَ بَگَذَارَنَدَ وَ بِرَاهِيَّ بَه دَسَتَ آَورَدَنَ رَضَاَيَتَ وَيِ تَلَاشَ كَنَنَدَ. دَوَمَ: جَامِعَه بَه صَورَتَهَهَايِ گُونَاَگُونَ اَزَ هَدَایَتَهَهَايِ اَمامَ وَ اَزَ ولَایَتَ مَعْنَويَّ اِيشَانَ بَرَخَورَدَارَ مَيْ گَرَددَ.

سُؤَال: دَوَسَتَانَ وَ بِيرَوَانَ اَمامَ عَصْرَ (ع)، چَه وَظَافِيَّ در دَوَرَانَ غَيْبَتَ بَرَ عَهَدَه دَارَنَدَ؟

۱. تَقوِيتَ مَعْرَفَتَ وَ مَحْبَتَ بَه اَمامَ: بِيَامِيرَ وَ اَمامَ اَزَ يَدَرَ وَ مَادَرَ نَيْزَ بَرَاهِيَّ مَهْرَبَانَ تَرَنَدَ، كَسَانَيَ كَه چَنَنَ مَعْرَفَتَيِ تَسَبِّبَتَ بَه بِيَامِيرَ وَ اَمامَ دَارَنَدَ، مَحْبَشَانَ هَمَ بَه بِيَامِيرَ وَ اَمامَ بَيْشَترَ است. [پَسَ هَرَ كَه مَعْرَفَتَ وَ شَناختَشَ رَا اَفْرَاهِشَ دَهَدَ بَرَ مِيزَانَ مَحْبَشَشَ نَيْزَ اَضَافَهَ مَيْ شَوَدَ]. بِيَامِيرَ (ص) در اَيَنْ بَارَهَ فَرمُودَ: هَرَكَسَ دَوَسَتَ دَارَدَ خَدا رَا در با اِيمَانَ وَ اِسلامَ كَاملَ مَلَاقَاتَ كَنَدَ، ولَایَتَ وَ مَحْبَتَ اَمامَ عَصْرَ (ع) رَا بَيْدَيرَدَ.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

نکته: اهمیت معرفت به امام زمان (ع) به اندازه‌ای است که پیامبر (ص) فرموده: من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه [هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است].

۲. پیروی از فرمان‌های امام عصر (ع): منتظر حقيقة تلاش می‌کند که در عصر غیبت، پیرو امام خود باشد و از ایشان تعیت کند. از جمله دستورات امام زمان (ع): ۱) مراجعته به عالمان دین ۲) عمل به احکام فردی و اجتماعی دین ۳) مقابله با طاغوت به عنوان نمونه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و برکنارکردن حاکمان ستمگر یکی از علائم پیروی از امام عصر (ع) است.

۳. آماده کردن خود و جامعه برای ظهور: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده باش برای باری امام و خود را سربازی برای باری آن حضرت می‌داند. او هر لحظه منتظر است ندای امام در جهان طینی انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند. امام علی (ع) درباره‌ی کسانی که با امام بیعت می‌کنند، می‌فرماید: امام با این شرط با آنها بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاکدامن باشند. اهل دستnam و کلمات زشت نباشند، به ظلم و ستم خونریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده زیست باشند و بر هر کب‌های گران قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نیوشوند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، یه ییمان ستم نکنند، دنبال شهوترانی نباشند، شراب نتوشنند، به ییمان خود عمل کنند، تروت و مال را احتکار نکنند ... و در راه خدا به شایستگی جهاد کنند.

۴. دعا برای ظهور امام

سؤال: چه کسانی می‌توانند در هنگام ظهور این ویزگی‌ها را داشته باشند؟

پاسخ: کسانی که قبل از ظهور آن امام در صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه‌ی حق حضور فعال داشته و با استادگی در مقابل تیاطین درون و برون، ویزگی‌هایی مانند: شجاعت، عزت نفس و پاکدامنی را در خود پرورانده باشند.

درس (۷۴): کسی که در عصر غیبت تنها با گرید و دعا سر کند و در صحنه‌ی نبرد حق طلبان حضور نداشته باشد، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی به امام مهدی خواهد گفت: تو و بروزدگارت بروید و یعنگید، ما اینجا می‌نشینیم.

درس (۷۵): برخی جامعه‌شناسان گفته‌اند یوبایی جامعه‌ی شیعه در طول تاریخ به دو عامل وابسته بوده است:

۱. گذشته‌ی سرخ: یعنی اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای شهادت و ایثار.
۲. آینده‌ی سیز: یعنی انتظار برای سرنگونی ظالبان و گسترش عدالت در جهان زیر برجم امام عصر.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۷۶): یاران امام، پیشتازان تحول جهانی و سازندگان تمدن اسلامی‌اند. هسته‌ی مرکزی این یاران نفر (به تعداد یاران ۳۱۳ نفر) بی‌پایمر (ض) در جنگ پدر هستند که بنا به فرموده امام باقر ۵۰ نفر از آنان از زنان‌اند. همچنین در احادیث آمده است که بیشتر یاران امام را جوانان تشکیل می‌دهند.

درس (۷۷): رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی ویژگی‌های منتظران می‌فرماید: انتظاری که از آن سخن گفته‌اند فقط نشستن و اشک ریختن نیست. انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان (ع) آماده کنیم. سربازی امام زمان کار آسانی نیست و احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن‌بینی دارد. باید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را بر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. بر عکس امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.

درس (۷۸): امام عصر (ع) زمانی ظهور می‌کند که مردم جهان از همه‌ی مکتب‌های غیرالهی و مدعیان برقراری عدالت در جهان ناعید شده و با تبلیغی که منتظران واقعی کرده‌اند، دل‌های مردم به سوی آن معنی الهی جلب شده است. بیشتر مردم همین که ندای امام و طرقداران ایشان را می‌شنوند، با شوق به سوی امام می‌شتابند اما مستکبران و ظالمان در مقابل امام می‌ایستند که در نهایت شکست می‌خورند و اهداف انبیاء تحقق می‌باید و حکومت جهانی امام تشکیل می‌شود.

درس (۷۹): برخی از اهداف انبیاء (ع) عبارت‌اند از:

۱. عدالت گستری: در جامعه‌ی مهدوی قطب مرقه و فقیر و طبقه‌ی مستکبر و مستضعف وجود ندارد. به فرموده‌ی امام باقر (ع) او آنچنان میان مردم مساوات برقرار می‌کند که نیازمندی پیدا خواهد شد تا به او زکات داده شود.
۲. آبادانی: برکت و آبادانی همه‌ی سرزمین‌ها را فرامی‌گیرد. برای مثال اگر کسی سرزمین‌های بین عراق و شام را که بسیاری از قسمت‌های آن در حال حاضر کویری است بی‌سیاخد، همه را سرسیز و خرم خواهد دید.
۳. شکوفایی عقل و علم: با لطف و توجه ویژه‌ای که امام زمان به همه‌ی انسان‌ها می‌کند عقل آنان کامل می‌شود.
۴. امنیت کامل: چنانکه اگر کسی از شرق یا غرب عالم، شب یا روز، زن یا مرد به تهایی به سمت دیگر حرکت کند، احساس ناامنی و ترس نمی‌کند و از دزدی اموال دیگران خبری نیست.
۵. فراهم شدن زمینه‌ی رشد و کمال (نکته: این مورد از بقیه مهم‌تر است): در آن دوران زمینه‌ی رشد و تکامل همه‌ی افراد فراهم است. انسان‌ها بهتر می‌توانند خدا را بندگی کنند، فرزندان صالح به جامعه تقدیم نمایند و خیرخواه دیگران باشند. بدین ترتیب انسان‌ها به هدفی که خدا در خلقت برای آنها تعیین کرده، بهتر و آسان‌تر می‌رسند.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس دهم: مرجعیت و ولایت فقیهه.....

سؤال (اصلی این درس): آیا دو مسؤولیت ائمه (ع) [ارشاد و هدایت مردم - برپایی حکومت الهی و اقامه قسط و عدل] در دوران غیبت کبری استمرار می‌باید؟ یا مردم به خود واگذار شده‌اند و دین در این زمانه برنامه‌ای ندارد؟

پاسخ: از آنجا که دین اسلام همیشگی و برای همه‌ی دوران‌هاست عقلآخوری است که این دو مسؤولیت یعنی مرجعیت دینی و ولایت و رهبری در عصر غیبت نیز ادامه باید زیرا اگر مرجعیت دینی ادامه نباید، یعنی متخصصی نیاشد که احکام دین را بداند و برای مردم بیان کند و پاسخگوی سائل جدید مطابق با احکام دین نباشد. مردم با وظایف خود آشنا نمی‌شوند و نمی‌توانند به آن وظایف عمل کنند و اگر ولایت ظاهری ادامه نباید و حکومت اسلامی تشکیل نشود، نمی‌توان احکام اجتماعی را که نیازمند مدیریت و پشتونهای حکومتی است، در جامعه به اجرا درآورد.

سؤال: در دوره‌ی غیبت، این مسؤولیت‌ها چگونه ادامه می‌باید و مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین دین، دسترسی پیدا می‌کنند و این قوانین چگونه در جامعه پیاده می‌شود؟

سؤال: چرا خداوند حتی در زمان پیامبر و با وجود حضور ایشان، عده‌ای را تشویق به فراغیری علم دین می‌کند؟

درس (راهکار پیامبر و امامان برای عصر غیبت): در زمان خود ائمه (ع)، مردم شهرهای دوردست به امامان دسترسی نداشتند و نمی‌توانستند احکام دین را از ایشان بشنوند و از فرمان‌های آنان مطلع شوند. از این رو، آنها دانشمندانی (فقیهانی) را تربیت می‌کردند که در حد توان به معارف و احکام دین دست یابند. این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می‌رفتند و احکام اسلام را به مردم می‌آموختند و اگر مردم نیز پرسشی داشتند، آنان براساس دانشی که از قرآن و روایات داشتند به آن پرسش پاسخ می‌دادند. مسلمانان وظیفه دارند در زمان عدم امکان دسترسی به امامان، به این فقهان مراجعه کنند. مسلمانان در غیبت امام عصر (ع) نیز باید در احکام و مسائل فردی و نیز در مسائل اجتماعی باید به فقیه مراجعه کنند.

نکته: برخی از فقهان دوران ائمه (ع) عبارت‌اند از ابویضیر و زکریای قمی.

نکته: به گفته‌ی پیامبر (ص) حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال پیشی است که پدر را از دست داده است زیرا چنین شخصی در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی‌داند.

درس (۸۰): افرادی که به معرفت عمیق در دین می‌رسند و می‌توانند احکام اسلام را از قرآن و روایات به دست آورند فقیه نام دارند و تلاش برای کسب معرفت عمیق دینی تفکه نام دارد.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۸۱)؛ این راهکار ائمه (ع)، برگرفته از قرآن است چنانکه می فرماید: و ما کان المؤمنین لیتقرروا کافة فلولا نفر من کل فرقه طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذرروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم يحذرون [۱]؛ و نمی شود که مؤمنان، همگی اعزام شوند، یعنی چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا داشش دین را (به طور عمیق)، بیاموزند و آنگاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند.

نکته: چنین وظیفه‌ای جز با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری فقیه میسر نیست.

درس (۸۲)؛ در دوره‌ی غیبت به فرمان امام زمان (ع) و به نیابت از ایشان، فقیهان واجد شرایط، هر دو مستولیت مرجعیت دینی و رهبری و ولایت را بر عهده دارند و در حد توان، جامعه‌ی اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کنند. گروهی از فقیهان نیز احکام و قوانین دین را در اختیار مردم قرار می‌دهند.

درس (۸۳)؛ کسانی که در احکام دین متخصص نیستند به این متخصصان (فقیهان) مراجعه می‌کنند و احکام دین را از آنان می‌آموزند. این مراجعه را پیروی یا تقلید می‌گویند.

درس (۸۴)؛ این مراجعه، یک روش رایج عقلی است یعنی انسان در امری که تخصص و مهارت ندارد، به متخصص آن مراجعه می‌کند یس تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص است. چنین فقیهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

درس (۸۵)؛ از میان فقیهان کسی که توانایی سربرستی و ولایت جامعه را دارد، عهده‌دار حکومت می‌شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا درمی‌آورد. بد فقیهی که این مستولیت را بر عهده می‌گیرد ولی فقیه می‌گویند. ولی یعنی حاکم و سربرست و ولی فقیه یعنی حاکمی که در داشش دین تخصص دارد و به فهم عمیق رسیده است. بدین ترتیب در عصر غیبت مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه ادامه می‌یابد و ولایت ظاهری به صورت ولایت فقیه استمرار پیدا می‌کند.

درس (۸۶) شرایط مرجع تقلید مرجع تقلید: مرجع تقلید باید ۱) باتقوا ۲) عادل و ۳) زمان‌شناس باشد یعنی بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد ۴) اعلم باشد یعنی از میان فقهاء از همه عالم‌تر باشد.

نکته: تقوایک حالت و قدرت روحی است که مانع رفتن انسان به سوی گناه می‌شود و مانند حافظ و نگهدارنده‌ی از گناه عمل می‌کند.

تلashی در مسیر موفقیت

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

نکته: عدالت در جاتی دارد. عدالت پیامبر و امام به معنای دوری از هرگونه ظلم است. عدالت فقیه باید آنقدر باشد که به ندرت از وی گناهی سربزند. عدالت یک فرد عادی باید به اندازه‌ای باشد که مردم به وی اعتماد کنند و به دروغگویی و گناه مشهور نباشد.

درس (۸۷) راههای شناخت مرجع تقلید: ۱) از دو نفر عادل و مورده اعتماد که بتوانند فقه واجد شرایط را تشخیص دهند، پرسیم. ۲) یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

درس (۸۸) شرایط ولی فقیه: ۱) باتقوا باشد. ۲) عادل باشد. ۳) زمان شناس باشد و بتواند احکام دین را مناسب با نیازهای روز به دست آورد. ۴) مدیر و مدیر باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیجده‌ی جهانی رهبری کند. ۵) شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس، در برابر زیاده‌خواهی دشمنان پاسخ دهد و در اجرای احکام دین از کسی نترسد و در مقابل تهدیدها پایداری کند.

درس (۸۹): حکومت و رهبری فقیهی که شرایط فوق را دارد، مشروع است یعنی دین به او اجازه‌ی رهبری مردم را داده است. پیروی از دستورات کسی که این شرایط را ندارد حرام است.

درس (۹۰): علاوه بر این فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد تا بتواند کشور را اداره کند و به پیش ببرد. یعنی باید نزد مردم جامعه‌ی خود مقبولیت داشته باشد. پس تشکیل نظام و حکومت اسلامی بر پایه‌ی مشروعیت و مقبولیت استوار است.

درس (۹۱): انتخاب ولی فقیه: انتخاب ولی فقیه مانند انتخاب مرجع تقلید نیست یعنی نمی‌شود هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. دلیل: چون اداره‌ی جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است و در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه و برآکندگی پیش می‌آید. نتیجه: پس مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته جمعی اقدام کنند و فقیهی را که شرایط رهبری دارد، با آگاهی و شناخت پذیرند و به وی اعتماد کنند و رهبری جامعه را به وی بسیارند.

درس (۹۲): مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راهپیمایی‌های سراسری، ولایت امام خمینی را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنابر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره‌ی خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان از میان فقها کسی را که برای رهبری شایسته‌تر است تشخیص می‌دهند و به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنای پس از رحلت امام خمینی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مسؤولیت رهبری جامعه را بر عهده گرفتند.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

نکته: چنین فقیهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط ذکر شده را داشته باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده‌ی مجلس خبرگان است.

درس (۹۲) وظایف رهبر = ولی فقیه: برخی از وظایف رهبر جامعه‌ی اسلامی که از قرآن و سیره‌ی ائمه (ع) به دست می‌آید عبارت‌اند از:

۱. تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه
۲. حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان
۳. تصمیم‌گیری براساس مشورت؛ از آنجا که اداره‌ی جامعه و رهبری آن به سوی پیشرفت و عدالت و تعالی با بهره گرفتن از اندیشمندان و متخصصان مسیر است، رهبر باید با مشورت با تختگان تصمیم‌های لازم را بگیرد. امروزه در جامعه علاوه بر اشخاص، تهاده‌های مختلفی اند که به صورت پیوسته به رهبری مشورت می‌دهند، مانند: مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی امنیت ملی، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم و شورای عالی حوزه‌های علمیه.
۴. ساده زیستی

درس (۹۴): رهبر جامعه‌ی اسلامی، رهبری کسانی را بر عهده دارد که می‌خواهد راه رستگاری را در سایه‌ی قوانین اسلام بیمایند. در این جامعه همانطور که مسؤولیت رهبری با سایر رهبران متفاوت است، مردم نیز نگاهی متفاوت به رهبری دارند. رهبر برای آنان پیشوایی است که با قدم گذاشتن در مسیر کمال و عدالت، سایر مردم را به پیمودن راه فرا می‌خواند. مردم نیز تلاش می‌کنند با همت و پشتکار خود وی را همراهی کنند.

نکته: در نظام و حکومت اسلامی، مشارکت و همراهی مردم یا به و اساس پیشرفت است و بدون حضور و مشارکت آنان حکومت اسلامی دستاوردهای نخواهد داشت.

درس (۹۵): مردم مسؤولیت‌هایی نسبت به رهبر دارند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. وحدت و همبستگی اجتماعی: همانطور که تفرقه و پراکندگی، به سرعت یک حکومت را از پای درمی‌آورد، همبستگی اجتماعی کشور را قوی می‌کند و به رهبری امکان می‌دهد که برنامه‌های اسلامی را به اجرا درآورد.
۲. استقامت و پایداری در برابر مشکلات: مردم باید با استقامت خود، فرصت و توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم کنند.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

۳. افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی: برای تصمیم‌گیری صحیح در برابر قدرت‌های دنیا، اطلاع از شرایط سیاسی و اجتماعی جهان ضروری است.

نکته: ناراحتی دشمنان از کارهای ما یا خوشحالی آنان از رفتار ما، می‌تواند یکی از معیارهای درستی و نادرستی عملکرد ما باشد.

۴. مشارکت در نظارت همگانی: براساس فرمان خداوند، همه‌ی افراد جامعه‌ی اسلامی نسبت به یکدیگر مستول‌اند (ماتند همه‌ی کسانی که در یک کشتی نشسته‌اند). اگر گناه در جامعه رواج پیدا کند، فقط گناهکاران عذاب نمی‌شوند بلکه کسانی که در برابر گناه در جامعه سکوت کردند نیز باید پاسخگو باشند. بنابراین همه‌ی ما باید ناظر بر فعالیت‌های اجتماعی باشیم و در صورت مشاهده گناه توسط هر کس، امر به معروف و نهی از منکر را با روش درست انجام دهیم.

نکته: این مشارکت سبب می‌شود که رهبر، همه‌ی افراد جامعه را پیشیبان خود بباید و هدایت جامعه به سمت وظایف اسلامی برای رهبر جامعه آسان‌تر شود.

۵. اولویت دادن به اهداف اجتماعی: در برخی موارد که اهداف و آرمان‌های اجتماعی در برابر منافع فردی قرار می‌گیرند، باید بتوانیم از منافع فردی خود بگذریم و برای اهداف اجتماعی تلاش کنیم. مثال: خرید کالای ایرانی سبب می‌شود کارخانه‌های داخلی تولید داشته و صدها هزار کارگر بیکار شوند. این عمل، به طور غیرمستقیم سبب کاهش بیکاری شده و کمک خوبی به حکومت و رهبری است که بتوانند در اداره‌ی جامعه موفق‌تر باشند. مثال: مدافعان حرم.

توضیح: در دهه‌ی اخیر طی نقشه‌ی طراحی شده‌ای توسط سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای مستکبر، جهان اسلام در قاره‌ی آسیا و آفریقا عرصه‌ی تاخت و تاز ترویست‌ها شد. این ترویست‌ها به هر کار خلاف عقل و انسانیت دست می‌زنند و سبب بدنهای مسلمانان و اسلام در دنیا و تا ملن کردن ایران می‌شوند. در حالی که دو کشور عراق و سوریه به کانون اصلی ترویست‌ها تبدیل شده بود و بیم آن می‌رفت که کل این دو کشور به دست آنها بیفتد، مدافعان حرم حیات خود را (بزرگ‌ترین منفعت فردی) فدای حفظ امنیت و ناموس کشور (اهداف و منافع اجتماعی) کردند.

درس (۹۶): وظیفه‌ی کارگزاران: کارگزاران همان مدیران و مسؤولان جامعه‌اند که امروزه امور سه قوه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه را بر عهده دارند. در واقع کارگزاران پاران و کمک کنندگان به رهبرند. اگر کارگزاران جامعه، وظیفه‌ی خود را به درستی بینانند و به درستی اجرا کنند، اعتماد مردم به حکومت روز به روز افزایش می‌باید. عملکرد غلط کارگزاران، سبب افزایش و انبساط شدن مشکلات و ناکارآمدی حکومت خواهد شد.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۹۷): امیر المؤمنین علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، حکیمانه و عالماهه مسؤولیت کارگزاران را بیان کرده است و هر کس آنرا مطالعه کند به عظمت فکر و درایت امام علی (ع) در کشورداری بپیماید. بخش‌هایی از این عهدنامه:

*** دل خود را نسبت به مردم مهربان کن و با همه دوست و مهربان باش چرا که مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای پرادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش همانند تو هستند.

*** در به دست آوردن رضایت عموم مردم سعی و تلاش کن نه در جلب رضایت خواص که با وجود رضایت عمومی، خشم خواص به تو آسیبی نمی‌رساند و با خشم عموم مردم، رضایت خواص سودی نمی‌بخشد.

*** کسانی را که از دیگران عجیب‌جویی می‌کنند از خود دور کن زیرا در نهایت مردم عجیب‌هایی دارند و مدیر جامعه باید بیش از همه در پنهان کردن آنها بکوشد.

*** عده‌ای افراد مورد اطمینان را انتخاب کن تا درباره‌ی وضع طبقات محروم تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس برای رفع مشکلات آنها عمل کن ...، زیرا این گروه [افراد محروم] بیش از دیگران به عدالت نیازمندند.

*** اگر با دشمن پیمان بستی از پیمان شکنی دشمن غافل نباش، که دشمن گاهی از این راه تو را غافلگیر می‌کند.

درس یازدهم: عزت نفس

درس (۹۸): یکی از مهم‌ترین قدم‌ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. ائمه (ع) این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته‌اند.

درس (۹۹): نقش عزت نفس در اخلاقی زیستن و حرکت به سوی کمال: اگر عزت نفس در وجود ما شکل بگیرد مانع بسیاری از کارهای زشت خواهد شد.

نکته: عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۵۹ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. عزت به معنای نفوذناپذیری و تسلیم نبودن است. خدا عزیز است یعنی کسی نمی‌تواند او را مغلوب کند و در اراده‌ی او نفوذ نماید، ذلت درست مقابل عزت قرار دارد و به معنای شکست‌پذیری و مغلوب و تسلیم بودن است.

درس (۱۰۰): انسان عزیز کسی است که در برابر مستکبران و ظالماً و همچنین در مقابل هوی و هوش خوبش مقاومت می‌کند و تسلیم نمی‌شود. او زیر یار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی‌رود.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۱۰۱): انسان ذلیل کسی است که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می‌دهد و هر فرمانی را می‌پذیرد. همچنین تسلیم هوی و هوس خوبیش می‌شود و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد انجام می‌دهد هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوهه کند.

نکته: معمولاً ما فارسی زبانان، واژه‌ی عزیز را به جای «دوست داشتنی» و «گرامی» به کار می‌بریم؛ این معنی اگرچه با معنای اصلی واژه در زبان عربی و قرآن متفاوت است اما ارتباط نزدیکی با آن دارد زیرا هر انسانی افراد مقاوم و تسلیم ناپذیر را دوست دارد.

درس (۱۰۲): راه‌های پیشنهادی تقویت عزت نفس توسط قرآن و ائمه (ع) عبارت‌اند از:

۱. شناخت ارزش خود و نفوختن خوش به بهای اندک: اگر کالای گران قیمتی داشته باشیم اما ارزش آنرا ندانیم، به آسانی غریب می‌خوریم و آنرا به بهای اندکی می‌فروشیم اما اگر ارزش آنرا بدانیم، آنرا عزیز می‌شماریم و به قیمت واقعی می‌فروشیم. به همین دلیل خداوند جایگاه ما انسان‌ها را در خلقت بیان می‌کند تا به ارزش واقعی خود بی بزیر و خود را ارزان نفروشیم. خدا می‌فرماید: ما فرزندان آدم را کرامت پخته‌یدیم ... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم و فرموده: ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای [مقام قرب نزد] خودم آفریدم. خداوند به انسان و عده‌ی دیدار داده و بهشتی به وسعت همه‌ی آسان‌ها و زمین برایش آماده کرده، امام علی (ع) می‌فرماید: **[إِنَّ لِأَنفُسِكُمْ ثُمَّ إِلَى الْجَنَّةِ فَلَا يَبْيَعُوهَا إِلَّا بِهَا]** : همانا بهائی برای جان شما جز بهشت نیست، پس [خود را] به کمتر از آن نفروشید.

۲. توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او: خدا سرچشمه و منبع همه‌ی قدرت‌ها و عزت‌هast بنا بر این هر کس به دنبال عزت است، باید خود را به این سرچشمه وصل کند. امام علی (ع) در وصف انسان‌هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته‌اند فرمود: خالق جهان در نظر آنان عظیم در نتیجه غیر خدا در چشم آنان کوچک است. وقتی انسان به چنین شناخت و ایمانی رسید، به طور طبیعی تسلیم خدا می‌شود و بندگی او را می‌پذیرد و در مقابل غیر خدا عزیز و تسلیم ناپذیر باقی می‌ماند. به همین دلیل امام علی (ع) فرمود: بندگی کسی مثل خودت نباش زیرا خدا تو را آزاد آفریده است.

درس (۱۰۳): اسوه‌های عزت در برابر ستمگران: پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خدا و پیوند با او توائیستند در سخت‌ترین شرایط، عزتمندانه زندگی کنند و تن به ذات و خواری ندهند. برای مثال، پیغمبر (ص) هنگامی که در محاصره‌ی مشرکان مکه بود و جز ابوطالب، حضرت خدیجه و یارانی اندک یشتوانه‌ای نداشت، به بزرگان مکه که به او و عده‌ی تروت و قدرت و ریاست بر مکه

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

می‌دادند فرمود: اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چشم بگذارند تسلیم نمی‌شوم. امام حسین (ع) آنگاه که بزیدیان با پیش از سی هزار چنگجو، ایشان را محاصره کردند و از او خواستند که زیر بار بیعت با بزید برود فرمود: مرگ با عزت از زندگی با ذات برتر است. حضرت زینب (س) نیز پس از تحمل انبوه سختی‌ها، در پاسخ به جمله‌ی تحقیرآمیز عبیدالله بن زیاد که گفت: دیدی خدا چه بر سر شما آورد؟ با قدرت فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.

درس (۱۰۴): تعریف ایستادگی در برابر تمایلات پست: هر انسانی در درون خود، گاه با تمایلات و خواسته‌هایی روبه رو می‌شود که پاسخ منفی دادن به آنها عزت نفس را ضعف می‌کند و انسان را به سوی ذات سوق می‌دهد. اگر این پاسخگویی ادامه یابد، ذات انسان را احاطه می‌کند به طوری که در برابر هر خواست نامشروع درونی و بیرونی تسلیم می‌شود. توجواني و جوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی دادن به این تمایلات است. انسانی که در این دوره سنی به سر می‌برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته‌های نامشروع در وجود او ریشه‌دار نشده است و به تعبیر بیاضر (ص) به آسمان نزدیک تر یعنی گرایش به خوبی‌ها در او قوی‌تر است. بنابراین نوجوان، بهتر از هر آدمی می‌تواند ایستادگی در برابر تمایلات منفی را تمرین و عزت نفس خود را تقویت کند.

درس (۱۰۵): خود عالی و خود دانی: انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

- (۱) تمایلات عالی (برتر): مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حسن خلق که مربوط به روح الهی و معنوی انسان‌اند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می‌کیم و از آنها لذت می‌بریم.
- (۲) تمایلات دانی: مانند تمایل به تروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می‌باشیم، از آنها لذت می‌بریم و خوشحال می‌شویم. تمایلات بعد حیوانی در ذات خود بد نیستند اما نسبت به *بعد الهی* بسیار ناچیز و یا بین تر و قابل مقایسه با آن تمایلات نیستند.

سؤال: چه موقع این تمایلات بد می‌شوند؟

پاسخ: آنگاه که انسان این تمایلات را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها پاشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا می‌داند و او با احکام خود چگونگی بهمندی از این تمایلات را منحصر کرده تا انسان بتواند در عین بهمندی از آنها، به رشد و کمال واقعی خود برسد.

درس (۱۰۶): هر انسان در درون خود با دو دعوت روبه روست: دعوت عقل و وجودان یا نفس لوگمه که از ما می‌خواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرضی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پرورش پیدا کند. دعوت دیگر

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

دعوت هوی و هوس یا نفس اماره است که از ما می‌خواهد فقط به تمایلات بعد حیوانی سرگرم باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

درس (۱۰۷)؛ انسانی که به هوی و هوس پاسخ مثبت می‌دهد و تسلیم می‌شود، قدم در وادی ذلت گذاشته و از مسیر رشد باز می‌ماند. پس از این مرحله است که وقتی در برابر ستمگران و قدرتمندان قرار گرفت، زیر بار ذلت می‌رود و تسلیم خواسته‌های آنها هم می‌شود. بنابراین کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می‌دهد، ایندا در مقابل تمایلات پست درون خود شکست خورده و تسلیم شده و سپس مغلوب زورگویان و قدرتمندان گردیده و تابع خواسته‌های آنان شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر مجرمان و گناهکاران قادر عزت نفس هستند یا عزت نفس بسیار پایینی دارند در حالی که اکثر انسان‌های مفید و نیکوکار دارای عزت نفس بالایی‌اند و کمتر مرتكب گناه می‌شوند.

درس دوازدهم: پیوند مقدس

آيات و احادیثی درباره‌ی ازدواج

﴿رسول خدا (ص): هیچ بنانی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست.﴾

﴿وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنَّ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتُسْكِنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بِيْنَكُمْ مُوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنْ فِي ذَلِكَ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [؛] وَ از نشانه‌های خدا آن است که همسرانی از [نوع] خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش باید و میان شما دوستی و رحمت قرارداد. همانا که در این نشانه‌هایی است برای کسانی که تفکر می‌کنند.﴾ (مودة = دوستی)

﴿وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفْدَةً وَ رِزْقَكُمْ مِنَ الظِّيَافَاتِ أَفْبَالَالَّاطِلِّ يَؤْمِنُونَ وَ بِنَعْمَةِ اللَّهِ هُمْ بَكَفِيرُونَ [؛] وَ خَدَا بَرَى شَمَا هَمْسَرَانِي از [نوع] خودتان قرار داد و از همسراتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد و از پاکیزه‌ها به شما رزق و روزی داد. حال آیا آنان به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت الهی کفران می‌ورزند در این آیات تفکر کنید.﴾

درس (۱۰۸)؛ کلمات انس، انسان، بنی آدم و ناس در قرآن اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر آیه‌ای که با این کلمات همراه باشد به زن و مرد، هر دو مربوط می‌شود زیرا حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد و روح انسان نه مذکور است و نه مؤنت.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۱۰۹): جایگاه زن در قرآن و مقایسه‌ی آن با تورات و انجیل: در دوره‌ای که قرآن بر پیامبر (ص) نازل شد، بیشتر مردم مرد را در خلقت برتر از زن می‌شمردند. حتی در تورات [تحريف شده] آمده که حوا از دنده‌ی چپ آدم خلق شد و او بود که آدم را گمراه و به خوردن میوه‌ی درخت ممنوعه تشویق کرد. کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان چنین نگاهی به زن را به پیروان خود منتقل می‌کنند و در مورد خروج از پیشنهاد، زن را مقصراً نشان می‌دهد و او را به گناه نزدیک‌تر می‌داند. بر اساس کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقد‌اند زن منع هر شر و فساد در عالم است. زن سنتیزی و شر آنگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سلطه داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می‌شد. در همان عصر در جامعه‌ی جاهلی، داشتن دختر را نگ می‌دانستند و رفتاری خشن و قهرآمیز با زنان و دختران داشتند. قرآن در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه بر اساس جنسیت بلکه بر اساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد. قرآن در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی‌دهد. اولًا می‌فرماید: زن از همان جنس مرد آفریده شده. همچنین در داستان پیرون رفتن آنها از پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارند مگر به سبب تقوا.

درس (۱۱۰): نقش‌های مکمل: خداوند، زن و مرد را به گونه‌ای آفریده که زوج یکدیگر باشند، یعنی در کنار هم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند. زن و مرد اگرچه در ویژگی‌های انسانی با هم مشترک هستند و خداوند برای هر دو هدف واحدی معنی کرده است اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی با هم متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به گونه‌ای است که هردو را به هم نیازمند کرده بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد زیرا برتری هر کس نزد خداوند به تقواست و هر انسانی می‌تواند آنرا در وجود خود پرورش دهد.

درس (۱۱۱): امروزه جامعه ما از سه دسته خانواده تشکیل شده است:

۱. خانواده‌های سنتی: که باورها و اعتقادات دینی خود را برخی از آداب و سنت‌های محلی ترکیب کرده، از قدیم الایام وجود داشته، امتیازات و معایبی دارند، از امتیازات آنها این است که با استفاده از تجربه‌های فراوان، به سنت‌های رسیده‌اند که می‌دانند چگونه با هم زندگی کنند به همین دلیل نوعی آرامش روانی بر این خانواده‌ها حاکم است، از معایب آنها این است که گاه میان آموزه‌های اسلام و سنت‌های خود فرق نمی‌گذارند و آن سنت‌ها را دستورات دین تلقی می‌کنند و اگر کسی با آن آموزه‌ها مخالفت کند، به حساب مخالفت با دین می‌گذارند. مثلاً برخی خانواده‌ها فکر می‌کنند ابتدا پدر و مادر باید همسر آینده‌ی فرزند را شناسایی کنند و اگر فرزندی قبل از آنها به کسی علاقه‌مند شده باشد و به پدر و مادر اطلاع دهد، کار ناشایستی کرده است.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

۲. خانواده‌های مخالف سنت: این خانواده‌ها بیشتر تحت تأثیر فرهنگ غرب، با هر سنتی مخالف هستند و می‌کوشند با الگو گرفتن از آن فرهنگ، از سنت‌ها فاصله بگیرند و زندگی مدرن و جدیدی پسازند. این خانواده‌ها با دو مشکل اساسی روبه رو هستند: ۱) نمی‌توانند میان سنت‌های غلط با آموزه‌های اسلام تفکیک قائل شوند و هر سنت قدیمی را فقط به این دلیل که قدیمی است، رد می‌کنند. در نتیجه از اسلام فاصله می‌گیرند و به گناه آلوده می‌شوند. ۲) فقط از سطح ظاهری زندگی خانوادگی در غرب اطلاع دارند و از نایمه‌های عمیق و بنیانی آن مانند متلاشی شدن خانواده، فردگرایی، سردی روابط، عادت به طلاق، سپردن اطفال به نهادهای عمومی، گسترش روابط نامشروع و افزایش خانواده‌های تک سربرست کمتر مطلع می‌شوند و اگر به آنها عواقب زندگی خانوادگی در غرب گفته شود، می‌گویند جامعه‌ی ما هم به همان سمت کشیده می‌شود و توجه نمی‌کنند که مشکلاتی مانند افزایش طلاق بیشتر در همان گروه‌هایی است که با روش سنتی مخالف و زندگی شبیه‌غیری دارند. البته عواملی مانند فقر یا بیکاری هم از عوامل طلاق هستند که به این بحث مربوط نیست.
۳. خانواده‌ی متعادل و نمونه اسلامی: که می‌کوشند راهنمایی‌های اسلام را از سنت‌های غلط جامعه جدا کنند و با کنار گذاشتن سنت‌های غلط، زندگی خانوادگی را با معیارهای اسلامی بنا کنند و در انتخاب همسر یا تربیت فرزند از آن معیارها کمک بگیرند و تا آنجا از سنت‌ها استفاده کنند که مخالف اسلام نباشد. این قشر به دلیل حرکت عالمانه‌ی همراه با مطالعه و فکر و اندیشه خانواده‌های موفق‌تری دارند و آرامش خانوادگی آنان معمولاً بیشتر از خانواده‌های دسته‌ی دوم است و طلاق، کمتر در این خانواده‌ها اتفاق می‌افتد.

درس (۱۱۲): آمادگی برای ازدواج: انسان با رسیدن به سن بلوغ وارد مرحله‌ی مسؤولیت‌بذری می‌شود و این شایستگی را به دست می‌آورد که مخاطب خداوند قرار گیرد و برای سعادت خود و خانواده‌ای که در آینده‌ی نزدیک تشکیل خواهد داد، برنامه‌ریزی کند. مهم‌ترین این برنامه‌ها در مورد تشکیل خانواده عبارت‌اند از:

۱. تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ

۲. مشخص کردن هدف‌های خود از تشکیل خانواده

۳. شناخت معیارها و شاخص‌های همسر مناسب

۴. شناخت ویژگی‌های روحی زن و مرد

درس (۱۱۳): تقویت عفاف و پاکدامنی: دوره‌ی بلوغ تا ازدواج از حساس‌ترین و ارزشمندترین دوره‌های عمر و دوره‌ی گذرا از کودکی و ورود به بزرگسالی و بذریش مسؤولیت‌های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

بگذراند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندان خود هموار کرده است. قرآن از دختران و بسران می‌خواهد قبل از ازدواج، عفاف داشته و در بی رابطه‌ی غیرشرعی (بنهان یا آشکار) با جنس مخالف نباشند. هر جوانی به طور طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و رابطه‌ی غیرشرعی با جنس مخالف نداشته باشد. کسی که چنین خواسته‌ای دارد خودش نیز باید این گونه باشد.

درس (۱۱۴): اقدامات ذیر برای حفظ عفاف و پاکدامنی مؤثر است:

۱. رعایت جنبه‌های حلال و حرام در ارتباط با جنس مخالف.
۲. خواندن داستان‌هایی درباره‌ی رفتار پیامبر، امامان، حضرت فاطمه (ع) و پیروان آنها مانند شهدای دفاع مقدس.
۳. انجام درست و به موقع نماز به خصوص به جماعت و با حضور در مسجد و شرکت در جلسات مذهبی (دعای کمال، ندب، اعياد، عزاداری‌ها و سخنرانی‌های پر محتوا).
۴. مشغول بودن به کارهای ضروری مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، کارهای فنی و هنری، همکاری در بسیج، کانون‌های فرهنگی و بنیادهای خیریه.
۵. کنترل نگاه و استقامت در برابر تحریکات دیگران برای دیدن فیلم یا پیام‌های نامناسب یا حضور در مجالس گناه‌آلود و توانایی «نه» گفتن به آنها.
۶. انتخاب دوست دیندار و نمازخوان و معاشرت نکردن با افراد بی بندوبار.
۷. استفاده از لباس مناسب با شان و متزلت انسان مسلمان.
۸. توجه به نصیحت‌ها و خبرخواهی‌های پدر و مادر.

درس (۱۱۵): توجه به اهداف ازدواج: شایسته است به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله از زندگی شویم. برای تشکیل خانواده در متون دینی اهدافی ذکر شده که خوب است که ما نیز آنها را در نظر بگیریم.

۱. پاسخ به نیاز جنسی؛ ابتدایی ترین زمینه‌ی ازدواج نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است که از دوران بلوغ آغاز و اولین جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می‌کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می‌کشانند. بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز، مرد و زن به یک آرامش روانی می‌رسند.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

۲. انس با همسر: هر یک از زن و مرد نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز پس از بلوغ آشکار می شود. این نیاز به گونه‌ای است که اگر فردی از راه نامشروع نیاز جنسی خود را بر طرف اما بدون همسر زندگی کند، یاز هم یک بی قراری و نا آرامی او را آزار می دهد که فقط با بودن در کنار همسر بر طرف می شود.
۳. رشد و پرورش فرزندان: خانواده بستر رشد و بالاندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمی تواند جایگزین آن شود. فرزند، تمدن زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنهاست. آنها دوام وجود خود را در فرزند می بینند و از رشد و بالاندگی او لذت می برند.
۴. رشد اخلاقی و معنوی: پسر و دختر با تشکیل خانواده زمینه‌های فساد را از خود دور، مسؤولیت پذیری را تجربه، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش و با گذشت و مدارا و تحمل سختی‌های زندگی به درجات معنوی بالاتری نایبل می شوند.

درس (۱۱۶): انتخاب همسر و مسؤولیت آینده: پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح می شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل دختر و پسر برای ازدواج ضروری و اگر عقدی به زور انجام شود، باطل است و مشروعيت ندارد. نکته: علاقه و محبت به یک شخص، چشم و گوش را می بندد و عقل را به حاشیه می راند. امام علی (ع) می فرماید: حب الشيء يعني و يضم [علاقة شدید به چیزی، آدم را کور و کر می کند]. بنابراین برای موفق شدن در این مسؤولیت باید بر شور و احساس جوانی تسلط داشت و با چشم باز عمل کرد.

درس (۱۱۷): پیشوایان دین از ما خواسته‌اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخاب درستی برسیم. پدر و مادر به علت محبت به فرزند، مصلحت و خوشبختی او را درنظر می گیرند و به علت تجربه و یختگی‌شان، بهتر می توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند. نکته: در دین اسلام اجازه‌ی پدر در ازدواج دختر ضروری است.

درس (۱۱۸): پدران و مادران نباید نظر خود را بر فرزندان تحمیل کنند و آنها را به ازدواجی ناخواسته بکشانند. شایسته است محیط خانواده محیط همیلی، اعتماد به بزرگ‌ترها، شنیدن نظرات یکدیگر و محیط محبت و خرخواهی باشد تا بهترین تصمیم‌ها گرفته شود و کمتر به حسرت و پشیمانی منجر شود.

درس (۱۱۹): معیارهای همسر شایسته: از نظر قرآن مهم‌ترین معیار همسر شایسته، با ایمان بودن اوست. هر قدر ایمان یک فرد قوی‌تر باشد، شایستگی او برای همسری بیشتر است. البته معیارهای دیگری باید مورد توجه قرار گیرند که عبارت‌اند از: (۱)

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

اصلت خانوادگی (۲) اخلاق خوب و خوشبوی (۳) پوشنش مناسب اسلامی (۴) عدم ارتباط قبلی با جنس مخالف (۵) صداقت با همسر (۶) انجام عبادات به خصوص نماز (۷) عاقل و فهیم بودن (۸) کسب و کار حلال (۹) سلامت جسمی و روانی (۱۰) قناعت در زندگی (۱۱) زیبایی و مورد یستند بودن (۱۲) داشتن دوستان درستکار و سالم.

درس (۱۱۹): راههای شناخت همسر: همسر آینده را نباید با معاشرت‌هایی که منشأ آن تنها هوس‌های زودگذر است اشتباه کرد. تجربه نشان داده که این گونه معاشرت‌ها، هرچند با عنوان‌هایی مانند شناخت روحیه یا پی بردن به تقاطع تفاهم یکدیگر باشد، ولی نتیجه‌بخشنی نیست و آثار زیباتوار دیگری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازه‌ی این گونه معاشرت‌ها را به ما نداده است. در این معاشرت‌ها، معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می‌شود و دختر و پسر شخصیت واقعی خود را پنهان می‌کنند و هر طرف اصرار دارد که بهتر از آنچه هست نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود و معمولاً بیشتر این معاشرت‌ها به سنتی رابطه و جدایی می‌انجامند.

درس (۱۲۰): مناسب با فرهنگ اسلامی، راههای زیر برای شناخت کسی که تعامل به ازدواج با او را داریم، پیشنهاد می‌شود:

۱. تحقیق درباره خانواده‌ی همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
۲. شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آنها معاشرت بیشتری دارد.
۳. تحقیق درباره‌ی روحیات و خلقات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
۴. معاشرت خانواده‌های دوطرف با یکدیگر و بهره بردن از تجارت‌پدر و مادر در این معاشرت‌ها.
۵. مشورت با افراد قابل اعتماد و کارداران.
۶. گفت و گو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظرات و دیدگاه‌ها درباره مختلف.

نکته: بهتر است مسیر شناخت همسر با مشارکت پدر و مادر طی شود که سرشار از تجربه و به مصلحت آینده فرزند خود علاوه‌مند هستند.

درس (۱۲۱): زمان ازدواج: آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است: (۱) بلوغ جنسی (۲) بلوغ عقلی و فکری (که پس از بلوغ جنسی فرا می‌رسد).

نکته: توجه به داشتن شغل و پیداکردن کار، فکر کردن درباره‌ی ویژگی‌های همسر، تنظیم خرج و هزینه‌ی خود و دوری از بی‌برنامه بودن از نشانه‌های بلوغ عقلی است.

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

درس (۱۲۲): نباید فاصله‌ی بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. به همین دلیل پیشوايان ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و از پدران و مادران خواسته‌اند با کثار گذاشتن رسوم غلط، شرایط لازم را برای آنان فراهم کنند و به خاطر پندارهای باطل همچون فراهم شدن امکانات زندگی، فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار آسیب نسازند.

درس (۱۲۳): اهمیت ازدواج و تشویق به آن در کلام پیامبر و ائمه (ع): پیامبر (ص) فرمود: کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است پس باید برای تصف دیگر، از خدا برو وا داشته باشد. این جمله اهمیت ازدواج را به خوبی می‌رساند و نشان می‌دهد چگونه نیمی از دینداری انسان با ازدواج حفظ می‌شود. همچنین فرمود: برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد کند. امام صادق (ع) نیز فرمود: دو رکعت نماز شخص متأهل برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند.

نکته: ازدواج برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخگویی به قانون خلقت انجام می‌شود و شایسته است به این نیازهای طبیعی در زمان مناسب و به شیوه‌ی صحیح یاسنخ دهیم.

درس (۱۲۴): ۱) شادابی ۲) سلامت جسمی و روحی ۳) رشد طبیعی ۴) احساس رضایت درونی ۵) کاهش فشار جنسی ۶) سلامت اخلاقی جامعه، از فواید ازدواج در زمان مناسب است و تأخیر در ازدواج سبب ۱) افزایش فشارهای روحی و روانی ۲) روابط نامشروع ۳) آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

درس (۱۲۶): اگر فردی بخواهد به شیوه‌ای غیراز شیوه‌های مطرح شده از سوی دین یعنی به شیوه‌ای ناصحیح به نیاز جنسی خود پاسخ دهد، در آن صورت لذت آنی برخاسته از گناه، پس از چندی روح فرد را پزمرده و شخصیت او را می‌شکند. این اشخاص به جای بازگشت به مسیر درست، برای فرار از این پزمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند و نمی‌دانند روحشان مانند تشنگی است که هر چه بیشتر از آب شور دریا می‌نوشد، بر تشنگی اش افروده می‌شود.

نکته: در اسلام، علاوه بر ازدواج دائم، ازدواج موقت نیز برای کسانی که امکان ازدواج دائم ندارند، پیشنهاد شده است.

درس (۱۲۷): خواستگاری پسر از دختر یا دختر از پسر؟! معمولاً خواستگاری از طرف پسر اعلام می‌شود و قبول و رضایت از طرف دختر، این سنت نشانه‌ی آن است که پسر باید سؤال و درخواست کند و دختر می‌تواند بپذیرد یا رد کند. به تعبیر دیگر این پسر است که ابتدا محبت خود را اعلام می‌کند و به دنبال دختر می‌آید تا دختر این اعلام محبت را بپرسی کند و پاسخ دهد. این سنت برای احترام شخصیت دختر است. البته چنین نیست که دختران همسر مناسب خود را نمی‌توانند انتخاب کنند ولی این

مبحث : جزوه دین و زندگی یازدهم

کار بهتر است به صورت غیرمستقیم صورت بگیرد. خوبی این روش این است که اگر پسر تمايلی به ازدواج با این دختر نداشت، کرامت و عزت نفس دختر حفظ می شود چنانکه حضرت خدیجه (س) پس از علاقمند شدن به پیامبر (ص) علاقه‌ی خود به او را با افرادی از خویشان خود در میان نهاد و آنان اقوام پیامبر را مطلع کردند و پیامبر (ص) خواستگاری این بانوی بزرگوار را پذیرفت.

سؤال: آیا دختران و پسران می توانند قبل از ازدواج دوستی خارج از چارچوب شرع داشته باشند؟

پاسخ: قرآن به صورت قاطع، مردان و زنان را از ارتباطهای غیرشرعي که پاچیماندهی سنت‌های غلط دوران جاهلیت بود منع می‌کند و از آنها می‌خواهد که فقط براساس قوانین دین با یکدیگر ارتباط داشته باشند زیرا عاقبت روابط غیرشرعي، زیان روحی و عاطفی برای مرد و زن است و به گسترش بی‌بندوباری در جامعه منجر می‌شود. در بسیاری از موارد، افرادی که به دنبال این گونه دوستی‌ها هستند، به تعبیر قرآن فقط به دنبال هوسرانی و سوءاستفاده از طرف مقابل می‌باشند و به بهانه‌ی ازدواج در آینده، از در دوستی وارد می‌شوند و پس از مدتی، بدون دلیلی قانع کننده جدا و دوستی با دیگری را آغاز می‌کنند. شور و احساسات جوانی گاهی آنقدر قوی است که فرست رفتار عاقلانه را از انسان می‌گیرد و او وقتی متوجه می‌شود که زمان را از دست داده و زیان جبران نایابیری دیده است.

درس (۱۲۸): طبق آیات قرآن وظیفه‌ی جوانی که به بلوغ جنسی و عقلی رسیده اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده این است: **ولیستعفف الذين لا يجدون نكاحاً حتى يغتيم الله من فضله** [که راه عفاف را پیش گیرند کسانی که امکان ازدواج برایشان نیست تا خدا از فضل خود نیاز آنان را برطرف سازد].

درس (۱۲۹): قرآن در مواردی که دختر یا پسر نمی‌توانند از طریق چارچوب‌های قرار داده شده در شرع، ارتباط برقرار کنند هیچ راهی را جز یاکدامنی و مهار نفس نمی‌پذیرد زیرا خدایی که غریزه‌ی جنسی را به انسان داده، به انسان نیروی ایمان و اراده‌ای پخشیده که بتواند خویشتن داری کند و مانع گناه شود.

موفق باشید

مبحث : جزوی دین و زندگی یازدهم

کار بهتر است به صورت غیرمستضم صورت بگیرد. خوبی این روش این است که اگر پسر تعابیلی به ازدواج با این دختر نداشت، کرامت و عزت نفس دختر حفظ می شود چنانکه حضرت خدیجه (س) پس از علاقمند شدن به بیامیر (ص) علاقه‌ی خود به او را با افرادی از خوشنان خود در میان نهاد و آنان اقوام بیامیر را مطلع کردند و بیامیر (ص) خواستگاری این بانوی بزرگوار را بذیرفت.

سوال: آیا دختران و پسران می توانند قبل از ازدواج دوستی خارج از چارچوب شرع داشته باشند؟

پاسخ: قرآن به صورت قاطع، مردان و زنان را از ارتباطهای غیرشرعنی که باقیمانده‌ی سنت‌های غلط دوران جاهلیت بود منع می‌کند و از آنها می‌خواهد که فقط براساس فواین دین با بکدیگر ارتباط داشته باشند زیرا عاقبت روابط غیرشرعنی، زیان روحی و عاطفی برای مرد و زن است و به گسترش می‌بندوباری در جامعه متجر می‌شود. در بسیاری از موارد، افرادی که به دنبال این گونه دوستی‌ها هستند، به تعبیر قرآن فقط به دنبال هوسانی و سوءاستفاده از طرف مقابل می‌باشند و به بهانه‌ی ازدواج در آینده، از در دوستی وارد می‌شوند و پس از مدتی، بدلون دلیلی قانع کننده جدا و دوستی با دیگری را آغاز می‌کنند. شور و احساسات جوانی گاهی آنقدر قوی است که فرصت رفتار عاقلانه را از انسان می‌گیرد و او وقتی متوجه می‌شود که زمان را از دست داده و زیان جبران نایذری دیده است.

درس (۱۲۸): طبق آیات قرآن وظیفه‌ی جوانی که به بالوغ جنسی و عقلی رسیده اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده این است: **ولیستعفف الذين لا يجدون نكاحاً حتى يغنمهم الله من فضله [؛] كم راه عفاف را پیش گرفند گسانی که امکان ازدواج برایشان نیست تا خدا از فضل خود نیاز آنان را برطرف سازد.]**

درس (۱۲۹): قرآن در مواردی که دختر با پسر نمی‌تواند از طریق چارچوب‌های قرار داده شده در شرع، ارتباط برقرار کنند هیچ راهی را جز یاکدامی و مهار نفس نمی‌ذیرد زیرا خدایی که غریزه‌ی جنسی را به انسان داده، به انسان نیروی ایمان و اراده‌ای بخشیده که بتواند خوشنختن داری کند و مانع گناه شود.

موفق باشد

تلاشی در مسیر موفقیت

تلشی درس‌پرور فایل



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

 Www.ToranjBook.Net

 ToranjBook_Net

 ToranjBook_Net